

IRANA ESPERANTISTO

IREA
Irana Esperanto-Asocio

پيام سبزاندیشان

Kultura sezon-revuo en la persa kaj Esperanto
Nro: 30, Dua Serio, Somero 2019

فصلنامه‌ی فرهنگی دوزبانه‌ی فارسی و اسپرانتو
شماره ۳۰، دوره دوم، تابستان ۱۳۹۸



پيام وزير فرهنگ و دموکراسی سوئد، اسپرانتودانی طرفدار
محیط زیست، برای همایش جهانی اسپرانتو در فنلاند:
دیدارها و صحبت بین انسان‌ها اساس هرگونه
پیشرفتی برای یک دموکراسی پویاست.

شرکت‌کنندگان در یکصد و چهارمین کنگره جهانی اسپرانتو - لاهتی، فنلاند

عکس از: Jonathan Phileas

JE LA NOMO DE POSEDANTO DE ANIMO KAJ PRUDENTO

IRANA ESPERANTISTO

Pajam-e Sabzandiŝan
(Mesaĝo de Verd-ideanoj)
ISSN 1728-6174

IRANA ESPERANTISTO
Kultura kaj sendependa sezon-revuo internacia
Dua serio, N-ro 30, Somero 2019

Bonvenas eseoj, artikoloj, raportoj kaj kontribuaj kondiĉe ke ili ne estu publikigitaj antaŭe. Bonvenas kultur-temaj kontribuaj kondiĉe ke ili ne estu publikigitaj antaŭe. Bonvenas kultur-temaj kontribuaj kondiĉe ke ili ne estu publikigitaj antaŭe.

Ĉia presa aŭ elektronika citado aŭ eldonado de materialoj de IRANA ESPERANTISTO, ĉu originale ĉu tradukite en aliajn lingvojn, estas permesata. Bonvole menciu pri la fonto kaj la originala lingvo (t.e. Esperanto aŭ la persa) kaj se eble, informu nin pri eldonaĵo en kiu aperis io de aŭ pri IRANA ESPERANTISTO aŭ/kaj sendu ciferecan kopion al ni.

به نام خداوند جان و خرد

سبزاندیشان

فصلنامه‌ی پژوهشی - فرهنگی دوزبانه‌ی فارسی و اسپرانتو

دوره دوم، شماره سی‌ام، تابستان ۱۳۹۸
شماره استاندارد بین‌المللی (ISSN):
۱۷۲۸-۶۱۷۴

تاریخ انتشار نخستین شماره: پاییز ۱۳۸۱

نقل مطالب مجله با ذکر منبع و ماخذ جایز است و از استفاده کنندگان درخواست می‌شود یک نسخه الکترونیکی یا تصویر از نشریه‌ای را که در آن مطلبی به نقل از این مجله درج شده است به نشانی اینترنتی مجله ارسال کنند.

مسئولیت مطالب مندرج در این مجله برعهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.

گرافیک و حروفچینی: سبزاندیشان

نشانی‌ها:

پایگاه اینترنتی: www.espero.ir
پست الکترونیک: info@espero.ir

همکاران تحریریه این شماره:

- * علی مرادی
- * آذر کریمی
- * رضا خیرخواه
- * اکبر صداقت
- * سیمین عمرانی
- * امیر فکری
- * شلر کریمی
- * منیره فهمی
- * نازی صولت
- * حمزه شفیع

Mallongigoj uzitaj en ĉi tiu numero

ILEK: Irana Literatura Esperanto Konkurso
 IREA: Irana Esperanto-Asocio
 IREJO: Irana Esperantista Junulara Organizo
 IREK: Irana Esperanto-Kongreso
 IRLEI: Irana Ligo de Esperantistaj Instruistoj
 UK: Universala Kongreso

Irana Esperantisto
akceptas anoncojn.

مجله سبزاندیشان آماده پذیرش آگهی می‌باشد.

Kontribuantoj ĉi-numere:

- * Simin Emrani
- * Amir Fekri
- * Reza Kheirkhah
- * Ali Moradi
- * Akbar Sedaghat
- * Azar Karimi
- * Shler Karimi
- * Monire Fahmi
- * Nazi Solat
- * Hamzeh Shafiee



Kovrila Paĝo:
Komuna foto de la 104-a UK
Lasta Paĝo:
La 7-a Irana Esperanto-Kongreso

طرح روی جلد:
عکس دسته‌جمعی کنگره جهانی امسال در فنلاند
طرح پشت جلد:
هفتمین کنگره اسپرانتوی ایران



La Sepa Irana Esperanto Kongreso (IREK-7)

Date: 16-18. Aprilo 2020
Loko: Tehrano
Temo: Esperanto kaj Dauripova Turismo

En ĉi tiu numero:

در این شماره:

Paĝo

- 4 Antaŭ ĉio..
- 5 Novaĵoj
- 7 Pri venontaj UK-j
- 10 La 7-a IREK
- 11 Vojaĝ-Raporto
D-ino Karimi Raportas pri Vojaĝo en Vjetnamio
- 12 Monata Prelego
Enhavo de prelego far Hamzeh Shafiee
- 17 Kronologio de E-o en Irano
Prezentis: Nazi Solat
- 18 37 Jaroj da Amo
Intervjuo kun Simin Emrani
- 20 Ho, Vi Evidenta
Tradukis: M. Fahmi
- 23 Esperanto en la Tornistro (32)
Tradukis: F-ino Simin Emrani
- 26 Regula Ekzerco kaj Memoro
Tradukis al Esperanto: Ali Moradi
- 29 Unesko kaj Esperanto
- 32 Aventuroj de Pioniro
Tradukis al la Persa: A. Fekri
- 36 Diversaĵoj
Amir Fekri
- 38 La frenezulo kaj la paco
Tradukis: Amir Fekri
- 40 EDE kaj lingva diskriminacio
Tradukis: Shler Karimi



صفحه

- 4 قبل از هر چیز ...
- 5 اخبار اسپرانتو
- 7 درباره کنگره‌های جهانی آتی
- 8 هفتمین کنگره اسپرانتوی ایران
- 9 گزارش یک سفر
گزارش خانم زهرا کریمی از سفر به ویتنام
- 10 سخنرانی ماهانه
محتوای مطالب ارائه شده در سخنرانی ماهانه، تیر ۹۸
- 14 گاهشمار اسپرانتو در ایران
ارائه شده توسط خانم نازی صولت
- 17 ۳۷ سال عشق
گفت‌وگو با سیمین عمرانی
- 19 ترجمه شعر
ترجمه توسط منیره فهمی
- ۲۰ دور دنیا در ۷۹ روز (قسمت ۳۲ و پایانی)
ترجمه توسط سیمین عمرانی
- ۲۴ اثر ورزش و تحرک بر تقویت حافظه
ترجمه مقاله توسط علی مرادی
- ۲۵ استفاده یونسکو از اسپرانتو در جشنواره
- ۲۶ ماجراهای یک پیشتاز (قسمت ۷)
ترجمه توسط امیر فکری
- ۲۸ گوناگون
امیر فکری
- ۳۰ دیوانه و صلح
ترجمه: امیر فکری
- ۳۱ حزب اسپرانتو دموکرات اروپا و تبعیض زبانی
ترجمه: شلر کریمی

Antaŭ ĉio...

Ni antaŭ-pardonpetas pro la malgranda porcio de Esperanta enhavo en ĉi tiu numero de la revuo. Viaj kontribuoj en Esperanto helpas nin dediĉi pli da spaco al Esperanta enhavo.

La 7-a Irana Esperanto-Kongreso okazos meze de aprilo venont-jare. Ni invitas vin aliĝi al la evento kaj aktive partopreni en klopodoj por havi sukcesan kaj enhavo-riĉan kongreson. Pliajn informojn kaj lastaj novaĵoj pri la kongreso aperigos la retpaĝaro de IREA kaj la venontaj numeroj de la revuo.

Kelkaj aktivaj iranaj esperantistoj iniciatis publikigon de du-lingva podkasto. Ekapero de tiu ĉi monata podkasto estas granda paŝo por progreso en la irana Esperanto-movado. Gratulon kaj sukceson al la produktantoj de la podkasto.

Mi deziras ke la enhavo de tiu ĉi numero kontentigos vin kaj ke vi havos bonan legadon.

Feliĉan aŭtunon!

Via, Hamzeh Shafiee

قبل از هر چیز...

پس از تکمیل این شماره از مجله، احساس کردم که انگار مجله ایرادی دارد. واقعیت این است که محتوای اسپرانتوی مجله به کمتر از یک سوم کل مجله کاهش یافته است. این موضوع اصلاً جالب نیست، چرا که مجله خوانندگان خارجی و غیرفارسی‌زبان هم دارد و لازم است که در تهیه مقالات به زبان اسپرانتو اهتمام بیشتری داشته باشیم. من به شخصه اعتقاد دارم که مجله بایستی به سمتی حرکت کند که هدف آن انتشار تمامی مطالب به زبان اسپرانتو باشد که البته اذعان دارم که این امر تقریباً غیرممکن است، اما روندی که اکنون در مجله وجود دارد نیز قابل قبول نیست. می‌توان و باید حداقل نسبت مساوی از دو زبان فارسی و اسپرانتو را در مجله رعایت نمود.

و اما مطلب دنباله‌دار گزارش سفر اسپانیایی‌ها تحت عنوان "دور دنیا در ۷۹ روز" در این شماره به پایان می‌رسد. جا دارد با پایان این سلسله مطلب که مدتی طولانی در مجله دنبال می‌شد، بازخوردی از خوانندگان آن داشته باشیم و ببینیم باز نشر محتوای یک کتابی در مجله به صورت پاورقی تا چه حد مورد توجه و علاقه خوانندگان بوده است. لطفاً نظرات و پیشنهادات خودتان را با ما در میان بگذارید.

پاییزی پرثمر و مطبوع در پیش داشته باشید.

با سپاس، حمزه شفیعی



Via menso estas ĝardeno kaj viaj pensoj semoj;
Vi povas kulturi floron
Vi povas kulturi herbaĉon

Reza Kheirkhah, Diplomito pri Elstara Agado

En la Solena Fermo de la 104-a Universala Kongreso en Lahtio estis anoncitaj la nomoj de 12 ricevantoj de Diplomo pri Elstara Agado kaj de Diplomo pri Elstara Arta Agado. Tiuj diplomoj estas aljuĝataj de la Estraro de UEA ekde la jaro 2007.

Inter la ricevintoj de la diplomo estas s-ro Reza Kheirkhah, irana esperantisto loĝanta en Tajvano, pro la longtempa elstara agado kiel instruisto de Esperanto por la tajvana movado kaj eldonisto de la revuo 'Formoza Folio'.



رضا خیرخواه، برنده دیپلم افتخار به عنوان فعال برجسته

در اختتامیه رسمی یکصد و چهارمین کنگره جهانی اسپرانتو، که در شهر لاهتی فنلاند برگزار می‌شد، از برندگان جایزه «فعال برجسته» در جنبش جهانی اسپرانتو تقدیر به عمل آمد؛ رضا خیرخواه اسپرانتودان سرشناس ایرانی است که به واسطه فعالیت‌های آموزشی گسترده در جهت پیشبرد اسپرانتو در کشور تایوان، موفق به دریافت این نشان شده است. خیرخواه، فعالیت‌های اسپرانتویی خود را از سال ۱۹۸۹ آغاز نموده و دامنه اقدامات وی در جنبش جهانی اسپرانتو، از کشورهای متعدد از جمله هلند، بلژیک و اسپانیا گرفته تا چین، ژاپن، کره و تایوان گسترده است؛ وی در حال حاضر به‌عنوان مدرس زبان اسپرانتو و ناشر مجله «برگی از تایوان (Formoza Folio)» در جنبش اسپرانتوی کشور تایوان به فعالیت می‌پردازد.

فعال برجسته، عنوان جایزه‌ای شاخص در دنیای اسپرانتو می‌باشد که از سال ۲۰۰۷ توسط هیأت‌رئیس‌ه انجمن جهانی اسپرانتو به اسپرانتودانانی اهداء می‌شود که از کارنامه درخشان در جهت پیشبرد جنبش جهانی اسپرانتو برخوردار می‌باشند؛ این جایزه در سال ۲۰۱۹ به فعالینی از کشورهای آلمان، روسیه، ترکیه، تایوان، لهستان، بنین، اتریش و چین تعلق یافت.

La unua Podkasto de Iranaj Esperantistoj

La unua podkasto de Iranaj Esperantistoj estas lanĉita. La podkasto estas elŝutebla el la retpaĝaro de IREA (www.espero.ir). Ĝi konsistas el diversaj partoj registritaj en la persa kaj en Esperanto pere de iranaj kaj eks-terlandanaj esperantistoj. La podkasto estas planita publikigi unu numero ĉiu monate.

نخستین

شماره پادکست

اسپرانتوی ایران

منتشر شد.

سرانجام با تلاش و همفکری دوستانی از داخل و خارج از کشور پادکست اسپرانتوی ایران آغاز به کار کرد. برنامه‌های این پادکست شامل موضوعات مختلف و متنوع است که امیدواریم به مرور همه سلايق را در بر گیرد.

فایل پادکست مذکور از طریق سایت انجمن اسپرانتوی ایران (www.espero.ir) قابل دریافت است.

Daŭre okazas kunsidoj de s-ro Akbar Sedaghat por prezenti Esperanton en Raŝt, Gilan Provinco



همچنان مداوم در تابستان گرم

تابستان امسال نیز سخنرانی‌های ماهانه به زبان اسپرانتو همچنان توسط انجمن اسپرانتوی ایران برگزار گردید. دوم تیرماه جلسه مذکور در دفتر انجمن با ارائه مطالبی در خصوص آزمون‌های بین‌المللی زبان در چهارچوب مرجع مشترک اروپایی و نیز پیشنهاد برنامه جامع آموزشی انجمن توسط حمزه شفیعی برگزار شد. در این جلسه برای نخستین بار پخش مستقیم برنامه از طریق اینستاگرام صورت پذیرفت. بخشی از محتوای ارائه شده در این جلسه، در صفحات ۱۰ الی ۱۳ همین شماره از مجله درج شده است.



در دومین ماه تابستان، آقای سینا رضایی‌فر در جلسه سخنرانی ماهانه، موضوع "چگونه ملاقات‌های اسپرانتویی را برگزار کنیم" را در ساختمانی در محله آذربایجان تهران ارائه نموده و در پایان جلسه این موضوع بین حاضران به بحث و تبادل نظر گذاشته شد.



آخرین جلسه سخنرانی در تابستان امسال، روز دهم شهریورماه در دفتر انجمن برگزار شد. در این جلسه، دکتر کیهان صیادپور گزارشی مبسوط و تصویری از یکصد و چهارمین کنگره جهانی اسپرانتو در فنلاند ارائه نمودند.

پیام وزیر فرهنگ و دموکراسی سوئد به

همایش جهانی اسپرانتو در فنلاند



خانم آماندا لیند (Amanda Lind)، وزیر فرهنگ، دموکراسی، ورزش و امور اقلیت‌های ملی سوئد در کلیپی به زبان اسپرانتو پیام خود را به ۱۰۴مین همایش جهانی اسپرانتو بیان کرد. (فیلم پیام ایشان در این آدرس قابل مشاهده است:

<https://tinyurl.com/salutosveda>)

این همایش، که در شهر لاهتی فنلاند پس از هشت روز - و با حضور ۹۱۷ اسپرانتودان از ۵۷ کشور جهان - به کار خود خاتمه بخشید، با برنامه‌های بسیار متنوعی از جلسات رسمی سازمان جهانی اسپرانتو گرفته تا اجرای نمایش و ارائه‌ی سخنرانی‌های دانشگاهی همراه بود. در همایش امسال ۹ سخنرانی دانشگاهی در قالب «دانشگاه بین‌المللی همایش» توسط استادان بلندپایه از کشورهای گوناگون ایراد گردید.

خانم لیند، که اسم کاملش آماندا سوفیا مارگارتا لیند است و متولد ۲ اوت ۱۹۸۰ می‌باشد نهمین وزیر فرهنگ سوئد است. ۷ تن از وزرای فرهنگ سوئد زن بوده‌اند. عنوان اصلی همایش امسال، همان‌گونه که در پیام خانم لیند نیز با آن اشاره شده است، «طبیعت زنده - فرهنگ شکوفا» بوده است. ترجمه‌ی پیام ایشان به این همایش جهانی اسپرانتو:

"با سلام به شرکت‌کنندگان محترم این همایش،

من آماندا لیند، وزیر فرهنگ، دموکراسی، ورزش و اقلیت‌های ملی سوئد هستم. به‌عنوان عضوی از میلجوپارتیت (حزب سبز سوئد) و نهضت جهانی سبز، هم «طبیعت زنده» و هم «فرهنگ شکوفا» را ارزش‌های بسیار نزدیکی به قلب خود می‌دانم.

بهترین آرزوهایم را از صمیم قلب برای این همایش جهانی می‌فرستم. دیدارها و صحبت بین انسان‌ها اساس هرگونه پیشرفتی برای یک دموکراسی پویا است. از همه‌ی شما در نهضت اسپرانتو به‌خاطر تلاش‌های‌تان برای ترغیب به ارتباطات و رای مرزهای زبانی و ملی، تشکر می‌کنم. به امید بشریتی واحد بر روی کره‌ی زمین واحد!

با دوستی،

آماندا"

مونترال آماده میزبانی کنگره جهانی بعدی اسپرانتو است



کنگره جهانی اسپرانتو سال ۲۰۲۱ در بلفاست، ایرلند شمالی

برای ۱۰۶مین کنگره جهانی در سال ۱۴۰۰ شمسی (۲۰۲۱ میلادی)، هیأت مدیره انجمن جهانی اسپرانتو، ایرلند، "جزیره زمردین"، را به عنوان محل برگزاری کنگره انتخاب کرد. کنگره جهانی برای اولین بار در این بخش از اروپا برگزار می‌شود. شهر میزبان، بلفاست، پایتخت ایرلند شمالی خواهد بود. بلفاست، بندر بزرگ و دروازه اصلی به ساحل زیبای ایرلند شمالی، در قرن گذشته به دلیل درگیری‌های سیاسی مسلحانه رنج زیادی متحمل شده است، اما اکنون یکی از امن‌ترین شهرها در مجمع‌الجزایر بریتانیا به حساب می‌آید.

با توجه به کمبود نیروهای فعال اسپرانتوی محلی، انجمن جهانی اسپرانتو با توجه به دعوت به عمل آمده، مستقیماً با مسئولان این شهر وارد مذاکره شد و پیشنهاد بسیار مطلوبی را از یک مرکز همایش در دانشگاه سلطنتی (Queen University) دریافت کرد. گروه محلی اسپرانتودانان بلفاست قبلاً چندین مشاوره عملی در مورد سازمان‌دهی کنگره داده و آمادگی خود را برای کمک در خصوص انجام هرگونه فعالیت محلی ابراز کرده است. آنها اظهار داشتند: "بلفاست واقعاً شگفت‌انگیز است، اما یک انتخاب عالی است."

جوی دیویس، دبیر انجمن اسپرانتو ایرلند، نیز با ابراز حمایت خود گفت: "در ایرلند اکنون تعداد کمی از اسپرانتودانان سازمان‌یافته وجود دارد، اما ما از این کنگره استقبال می‌کنیم و مطمئناً تا آنجا که می‌توانیم کمک می‌کنیم. امیدواریم که برگزاری کنگره، زبان‌آموزان، سخنرانان و پشتیبانان جدیدی را جذب انجمن ما کند. دکتر Séan O'Riain، دیپلمات ایرلندی که در اتحادیه اسپرانتو اروپا فعال است، اظهار داشت: "اولین واکنش من به شدت مثبت است. البته من برای ارتقا و پیشبرد این کنگره هر کاری خواهم کرد." دکتر جفری گریترکس (Geoffrey Greatrex) از انگلستان با شور و شوق مشابهی واکنش نشان داد: "من به عنوان رئیس پیشین EAB (انجمن اسپرانتوی بریتانیا)، از برنامه‌ریزی برگزاری کنگره جهانی در ایرلند شمالی، برای نخستین بار در جزیره ایرلند و بیش از ۳۰ سال پس از آخرین حضور در مجمع‌الجزایر بریتانیا، بسیار مفتخر و خرسندم."

قرار است ۱۰۶مین کنگره جهانی اسپرانتو از ۱۷ تا ۲۴ ژوئیه سال ۲۰۲۱ (۲۶ تیر تا ۲ مرداد سال ۱۴۰۰ شمسی) برگزار شود.

منبع:

Gazetaraj Komunikoj de UEA
N-ro 806
2019-06-15

مونترال پرچم نمادین کنگره جهانی اسپرانتو را امسال در مراسم اختتامیه یکصد و چهارمین کنگره جهانی در شهر لاهتی فنلاند دریافت کرد. بنا به اعلام انجمن جهانی اسپرانتو، برای این مناسبت، بزرگترین شهر در استان فرانسوی زبان کبک کانادا حداقل هزار نفر را میزبانی خواهد کرد.

به مدت یک هفته، سخن‌گویان اسپرانتو از سراسر جهان برای تبادل نظر و مشارکت در فعالیتهایی با هدف از بین بردن موانع زبانی در جهان، گرد هم خواهند آمد.

یکصد و پنجمین کنگره جهانی اسپرانتو، از ۱ تا ۸ آگوست ۲۰۲۰ میلادی (۱۱ تا ۱۸ مرداد ۱۳۹۹ شمسی) در استان کبک، با این موضوع برگزار خواهد شد: "سازمان ملل در ۷۵ سالگی: گفتگو و تفاهم در دنیای در حال تغییر". هدف از انتخاب این موضوع برجسته نمودن و تاکید بر سهم سازمان ملل در صلح و توسعه از زمان تأسیس آن است.

شرکت کنندگان همچنین قادر خواهند بود با سفرهایی که به طور خاص برای آنها ترتیب داده شده، منطقه را کشف کنند.

شایان ذکر است این نخستین باری است که کنگره جهانی اسپرانتو در مونترال و فقط دومین باری است که در کانادا برگزار می‌شود. دفعه قبل این کنگره در سال ۱۹۸۴ در ونکوور برگزار شد.

مارک فتس (Mark Fettes)، رئیس سابق انجمن جهانی اسپرانتو می‌گوید: "اسپرانتو همچنین وسیله‌ای برای آوردن کل جهان به مونترال و ارائه یک نگاه اجمالی به معنای جهانی شدن عادلانه‌تر و فراگیرتر برای مردمش است. دموکراسی زبانی باید بخشی جدایی‌ناپذیر از درک ما از توسعه پایدار باشد."

La Sepa Irana Esperanto-Kongreso (IREK-7)

هفتمین کنگره اسپرانتو ایران

Dato: 16-18 Aprilo 2020

Loko: Tehrano

Temo: Esperanto kaj Daŭripova Turismo

زمان: ۲۸ الی ۳۰ فروردین ۱۳۹۹

مکان: تهران

موضوع: اسپرانتو و گردشگری پایدار



PRI LA KONGRESO

La 7a Irana Kongreso de Esperanto okazos de la 16-a de aprilo ĝis la vespero de la 18-a de aprilo en Tehrano. Ni invitas ĉiujn partopreni en nia kongreso, ĉu komencantajn, ĉu progresintajn, ĉu enlandajn, ĉu alilandajn esperantistojn. Bonvolu kontribui al la programo. Ni bonvenigas prelegantojn, muzikistojn, aktivulojn, ktp. Bonvolu priskribi vian ideon, ekipaĵan aŭ pritempajn bezonojn, ktp., kaj sendu la informon al info@espero.ir.

KONGRESEJO

La kongreso okazos en Tehrano. La decido pri la loko de la kongresejo estos farita post la unua aliĝ-periodo, nome en februaro.

EKSKURSOJ

Baldaŭ aperos informoj pri la antaŭ- kaj post-kongresaj ekskursoj. La ekskursoj estos pagendaj aparte.

درباره کنگره

کنگره اسپرانتوی ایران، گردهمایی سالانه اسپرانتودانان و علاقه‌مندان به اسپرانتو است که در آن آخرین اخبار و دستاوردها در زمینه گسترش زبان بین‌المللی اسپرانتو به اشتراک گذاشته می‌شود. به امید دیدار در کنگره هفتم

هفتمین کنگره زبان اسپرانتو

در پی برگزاری موفق شش کنگره زبان اسپرانتو در ایران که نخستین آن در فروردین سال ۱۳۹۳ برگزار گردید و با گردآوری تجارب و نظرات و پیشنهادات عزیزان شرکت‌کننده، اینک درصدد برنامه‌ریزی برای هفتمین کنگره برآمده‌ایم با این هدف که بدین وسیله امکان شناساندن و جذب مخاطبان برای دستیابی به یک زبان مشترک در عرصه ارتباطات بین‌المللی را فراهم آوریم.

درباره محل برگزاری کنگره

محل برگزاری هفتمین کنگره اسپرانتو با توجه به تعداد ثبت‌نام کنندگان و فضای موردنیاز در زمستان سال جاری تعیین خواهد گردید. چنانچه پیشنهادی در این خصوص دارید، لطفاً به ایمیل info@espero.ir اعلام نمایید.

گل‌گشت‌های قبل و بعد از کنگره

گل‌گشت‌های مقارن با برگزاری کنگره، فرصتی است تا اسپرانتودانان و اسپرانتودوستان آموخته‌ها و نظرات خود را به اشتراک گذاشته و برقراری تفاهم از طریق یک زبان بین‌المللی را تمرین کنند.

Renkontiĝo kun Vjetnamaj Esperantistoj en Hanojo

D-ino Azar Karimi

Mi vojaĝis al Vjetnamio kaj estis tie dum la 11a–16a de aŭgusto por partopreni en ekonomia konferenco en Hanoja Universitato. La konferenco finiĝis je la 14a de aŭgusto; kaj je la 15a matene ni iris al belega parto de Vjetnamio nomata “Trang An–Bai Dinh” ĉirkaŭ du horoj for de Hanojo per buso.

Tie la natura beleco, pura rivero kaj verdaj kaj altaj montaroj estas mirindaj. Bedaŭrinde la vetero estis tre varma kaj ni frue revenis al Hanojo.

Je la 4a horo posttagmeze mi renkontiĝis kun karaj vjetnamaj esperantistoj: S-ino Nguyen Thi Phuong Mai, la vicprezidanto de Vjetnama Esperanto-Asocio, kaj s-ro Ha Nguyen vicprezidanto de Hanoja Esperanto-Asocio, kaj komitatano pri eksteraj rilatoj/renkontiĝoj de Vjetnama Esperanto-Asocio kun kiu mi korespondis antaŭ mia vojaĝo al tiu lando.

Mi transdonis salutojn de iranaj kaj tajvanaj esperantistoj, kaj donis 2 ekzemplerojn de Formoza Folio (la gazeto de Tajvana Movado) al ili. Reciproke ili donis al mi kiel donacon du librojn pri la vivo de la vjetnama heroino, kaj antikva poeto kaj ankaŭ la raporto de Azia Kongreso en Vjetnamio en aprilo 2019.

Ili helpis min trovi hotelon apud trajna stacio kun bona prezo. Poste fraŭlino Trinh Thuy Huyen venis ĉe nin. Ŝi estas komencanto de Esperanto, sed aktiva kaj interesa esperantisto. Mi kaj Trinh kune vizitis parton de Hanojo per skotero. Poste ni 4ope iris al iu vendejo por aĉeti ĉemizon kun akceptebla prezo!

Fine ni kune vesper-manĝis kaj dume ni parolis pri Esperanto-movado en Irano, Tajvano kaj Vjetnamio. Ili ankaŭ sendis pere de mi varmajn salutojn al geamikoj en tiuj landoj, aparte al Abengo, d-ro Sayadpour, s-ro Reza Kheirkhah, kaj s-ino Liru Chen.

Mi forlasis Hanojon je la 16a de aŭgusto kun belaj memoroj de afablaj popoloj kaj amikeco inter la esperantistoj tra la mondo.





KER



kaj

La Instrua Modelo de IREA (Propono)

”چهارچوب اروپایی مشترک مرجع برای زبان‌ها“

و

پیشنهاد برنامه جامع آموزشی برای انجمن اسپرانتو

Monataj Prelegoj: 2019-06-23

Hamzeh Shafiee

سیستم آموزشی منطبق بر استاندارد اروپا

Komuna Eŭropa Referenckadro por lingvoj

که در اسپرانتو به طور خلاصه KER، در انگلیسی CEFR، در آلمانی GER، در زبان ایتالیایی QCER و در زبان اسپانیایی MCER نام گرفته است یک معیار شش سطحی برای شناخت میزان موفقیت‌های یک شخص در یادگیری یک زبان خارجی است.

برخی تصور می کنند که KER یک مدرک زبان است، نکته مهم این است که KER یک مدرک زبان نیست بلکه یک ساختار ارزشیابی است که شاید برخی به اشتباه آن را مدرک بدانند. در نوامبر سال ۲۰۰۱ شورای اتحادیه اروپا تصمیم گرفت سیستم جدیدی را برای یکپارچه سازی مدارک زبان در اروپا و جهان ایجاد کند.

اصول مزبور در اروپا استفاده می شود اما در قاره‌های دیگر نیز مورد استفاده قرار می گیرد و در حال حاضر به ۳۹ زبان از جمله اسپرانتو قابل استفاده است.



تن‌پیشنهادی کاتالوک جامع برنامه آموزشی انجمن اسپراتوی ایران

توضیح: این برنامه آموزشی صرفاً به عنوان پیشنهاد برای تهیه یک برنامه مدون آموزشی تهیه شده و با دریافت نظرات و پیشنهادات سایر دوستان نهایی خواهد شد. طرح این موضوع در نشست "سخنرانی ماهانه" به همین منظور صورت پذیرفت و درج آن در این صفحات نیز در همین راستا انجام می‌گردد.

انجمن اسپرانتو ایران به عنوان مرجع رسمی از طرف انجمن جهانی اسپرانتو اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی اسپرانتو با هدف شناساندن زبان جهانی اسپرانتو طبق استانداردهای شناخته شده نموده است. کتابچه حاضر به عنوان کتاب مرجع سیستم آموزشی در انجمن اسپرانتو ایران حاوی تمامی نکات لازم برای زبان آموزان و نحوه فراگیری و پیشرفت گام به گام در فرآیند زبان آموزی تا بالاترین سطوح می‌باشد.

دوره‌های آموزشی انجمن اسپرانتو ایران بر پایه "چارچوب اروپایی مشترک مرجع" به عنوان استاندارد برای دستیابی به سطوح مختلف توانایی‌های زبانی بنا نهاده شده و تلاش شده است تا فراگیران زبان بتوانند بر اساس نیازها و مهارت‌های مطلوب خود، سطح مورد نظر را انتخاب و به امر فراگیری بپردازند.



"چارچوب اروپایی مشترک مرجع برای زبان‌ها" (Common European Framework of Reference for Languages) که به KER مختصر می‌شود راهنمایی است که برای توصیف دستاوردهای یادگیران زبان‌های خارجی در اروپا و به طور فزاینده‌ای در کشورهای دیگر نیز، به کار گرفته می‌شود.

KER چهارچوبی است که کشورهای اروپایی برای تعیین سطح توانایی‌های زبانی از آن استفاده می‌کنند. هدف از ایجاد KER ایجاد یک چهارچوب مشترک و استاندارد برای اندازه‌گیری مهارت و دانش زبانی افراد است. این چهارچوب به سازمان‌ها و موسسات مختلف کمک می‌کند بدون نیاز سنجش مجدد از توانایی‌های زبانی افراد (به ویژه مهاجرین و درخواست کنندگان تحصیلی) مطلع شوند.

KER مهارت‌های زبانی را به چهار بخش مجزا تقسیم می‌کند: دریافت (شنیدن و خواندن)، ساخت (صحبت کردن و نوشتن)، تقابل (کلامی یا نوشتاری) و تبدیل (ترجمه کلامی یا نوشتاری). یک زبان آموز می‌تواند ترکیبی متفاوت از هر یک از این مهارت‌ها را داشته باشد. اما برای نشان دادن ساده مهارت‌های کلی زبان از حروف A₁, A₂, B₁, B₂, C₁, C₂ استفاده می‌شود.

جدول سطح مهارت‌ها در چهارچوب KER

جدول صفحه بعد به صورت خلاصه میزان مهارت زبان مورد نیاز برای کسب هر سطح را نشان می‌دهد. طبیعتاً هر قدر از سطح A₁ به سمت C₂ حرکت کنید میزان توانایی‌های درخواستی بالاتر می‌رود.

مشخصات دوره‌ها

پیشرفته		متوسطه		مقدماتی		سطح
C2	C1	B2	B1	A2	A1	نام دوره
یک سال	شش ماه	چهار ماه	سه ماه	دو ماه	یک ماه	طول دوره
144	72	48	36	24	12	تعداد جلسات
1600	800	400	200	100	50	هزینه دوره (هزار تومان)

چارچوب اروپایی مشترک مرجع برای زبان‌ها

Komuna eŭropa referenckadro por lingvoj

گروه سطح	نام گروه سطح	سطح	نام سطح	توضیحات
A	Baznivela lingvo-uzanto (کاربر سطح پایه زبان)	A _۱	Unuaj paŝoj (گام‌های اولیه (مقدماتی))	می‌تواند عبارتهای روزمره و کاربردی را بفهمد و با هدف برطرف کردن نیازهای اولیه از آنها استفاده کند. می‌تواند خودش و دیگران را معرفی کند، می‌تواند به سوالاتی در مورد جزئیات شخصی زندگی خودش مانند محل زندگی، افرادی که می‌شناسد و چیزهایی که دارد پاسخ دهد یا سوالاتی در این رابطه بپرسد. می‌تواند با دیگران در سطحی اولیه تعامل زبانی داشته باشد، به این شرط که فرد مقابل به آرامی و واضح صحبت کند.
		A _۲	Elano (خیزش (ابتدایی))	می‌تواند جملات و عبارات پرکاربردی که با نیازهای ضروری در ارتباطند را درک کند (برای مثال، اطلاعات خیلی اولیه شخصی و خانوادگی، خرید کردن، جغرافیای محل و کار) می‌تواند در مورد وظایف ساده و معمول که به یک تبادل ساده و مستقیم اطلاعات نیاز دارد تبادل نظر کند. می‌تواند جنبه‌های ساده گذشته زندگی خود، محیط اطراف خود و مسائلی در مورد نیازهای اولیه خود را شرح دهد.
B	Memstara lingvo-uzanto (کاربر مستقل زبان)	B _۱	Salto (جهش (متوسط))	می‌تواند مفاهیم کلی را در ورودی‌های استاندارد اطلاعات بفهمد. ورودی‌هایی که در مورد مفاهیمی است که در محل کار، مدرسه، محل تفریح و ... به‌طور منظم اتفاق می‌افتد. می‌تواند از پس موقعیت‌هایی برآید که با سفر به کشورها و مناطق صحبت‌کننده به زبان مورد نظر ممکن است اتفاق بیافتد. می‌تواند متن‌های ساده‌ای در مورد موضوعاتی که با آنها آشناست یا علایق شخصی‌اش تولید کند. می‌تواند تجارب، موقعیت‌ها، علایق، رویاها و امیدهایش را به صورت مختصر و با دلیل و توضیح برای برنامه‌هایش شرح دهد.
		B _۲	Flugo (پرواز (فوق متوسط))	می‌تواند مفاهیم کلی را در یک متن پیچیده در مورد یک مفهوم واقعی یا انتزاعی شامل مباحث فنی در حوزه تخصصش درک کند. می‌تواند با سطحی از تسلط با دیگران تعامل کند به طوری که بتواند بدون مشکل و نیاز به فرد دیگری با یک اسپرانتودان مسلط صحبت کند. می‌تواند برای طیف وسیعی از موضوعات متن‌هایی دقیق و واضح تولید کند و دیدگاه خود را در مورد موضوع بخش توضیح داده و نقاط ضعف و قوت آن را مشخص کند.
C	Profesinivela lingvo-uzanto (کاربر حرفه‌ای زبان)	C _۱	Proksime al pinto (نزدیک به قله (پیشرفته))	می‌تواند طیف وسیعی از عبارات بلند و مشکل را درک کند و مفهوم آن را بفهمد. می‌تواند ایده‌های فکری خودش را با تسلط کامل و بدون نیاز به جست و جوی لغات بیان کند. می‌تواند از زبان به صورت منعطف و کارآمد برای نیازهای اجتماعی، آکادمیک یا تخصصی استفاده کند. می‌تواند متونی واضح، خوش‌ساختار و دقیق در مورد موضوعات پیچیده آماده کند، که نشان‌دهنده استفاده کنترل‌شده از الگوهای ساختاریافته، ارتباطات و ابزارهای فکری باشد.
		C _۲	Pinto (قله (فوق پیشرفته))	می‌تواند به سادگی هر چیزی را که می‌شنود یا می‌خواند، بفهمد. می‌تواند اطلاعات دریافتی از منابع مختلف کلامی یا نوشتاری خلاصه کند و مباحث گزارش‌ها را با ساختاری تازه به شکلی منسجم بیان کند. می‌تواند خودش را بدون مقدمه، دقیق و سلیس ابراز کند و تفاوت‌های مفهومی را حتی در موقعیت‌های پیچیده تمیز دهد.

تقویم ثابت آموزشی برای تمامی سطوح

پیشرفته	متوسطه	مقدماتی		
C2	C1	B2	A1	فروردین
			A1	اردیبهشت
		B1	A2	خرداد
			A1	تیر
		B2	A2	مرداد
			A1	شهریور
	C1	B2	A2	مهر
			A1	آبان
		B1	A2	آذر
			A1	دی
		B2	A2	بهمن
			A1	اسفند

توضیحات:

طبق برنامه فوق، در هر سال ۱۲ دوره A1، شش دوره A2، چهار دوره B1، سه دوره B2، دو دوره C1 و یک دوره C2 برگزار می‌شود. کلیه دوره‌ها به صورت سه روز در هفته برگزار می‌گردند.

در دوره‌های متوسطه از وسایل کمک آموزشی، فیلم، دوره‌های آنلاین و ارتباطات چت بین‌المللی بهره‌گیری می‌شود.

در دوره‌های پیشرفته از اساتید خارجی و اسپرانتودانان سرشناس جهت مشارکت در آموزش دانشجویان دعوت به عمل خواهد آمد.

همه ساله دو دوره آزمون‌های ارزیابی و تعیین سطح با ارائه مدرک بین‌المللی (آزمون‌های KER) برگزار می‌گردد. این آزمون‌ها با هماهنگی لیگ

جهانی آموزگاران اسپرانتودان و انجمن جهانی اسپرانتو برنامه‌ریزی و اجرا می‌گردد.

دوره فوق پیشرفته C2	دوره پیشرفته C1	دوره فوق متوسطه B2	دوره متوسطه B1	دوره ابتدایی A2	دوره مقدماتی A1
					
<p>طول دوره: یک سال کتاب آموزشی: Vojaĝo en Esperanto-Lando محتوای دوره: همراه با فیلم، سخنرانی، ترجمه، کتاب‌های کمک آموزشی، اساتید بین‌المللی</p>	<p>طول دوره: شش ماه کتاب آموزشی: Faktoj kaj Fantazioj محتوای دوره: کاربرد زبان در متون مختلف علمی و ادبی و مقالات پیشرفته</p>	<p>طول دوره: چهار ماه کتاب آموزشی: Paŝoj al Plena Posedo محتوای دوره: متون درجه‌بندی شده با تمرینات بیشتر برای پیشرفت زبان‌آموزان</p>	<p>طول دوره: سه ماه کتاب آموزشی: Gerda Malaperis محتوای دوره: کاربرد عملی زبان با تاکید بر مکالمه همراه با نمایش فیلم</p>	<p>طول دوره: دو ماه کتاب آموزشی: Esperanto Per Rekta Metodo محتوای دوره: گرامر کامل با آموزش سمعی و بصری برای تمرین عملی زبان</p>	<p>طول دوره: یک ماه کتاب آموزشی: آسان‌ترین زبان دنیا محتوای دوره: معرفی زبان و جنبش اسپرانتو، الفبا و تلفظ، مقدمه‌ای بر گرامر و مکالمات ساده روزمره</p>

Kronologio de Esperanto en Irano

Nazi Solat

“Historio de Esperanto” estis prezentita dum la 12-a MONA en Kaŝano (8-11/Marto/2019). Tiu ĉi artikolo estas modifita prelego cele al ĝia eldoniĝo en la revuo.

Certe la historio de Esperanto-movado estas tre grava afero.

Por eviti neglekton de gravaj punktoj kaj efektivaj personoj mi proponas, fakte petas ĉiujn, kiuj havas aldonindajn punktojn, nepre sendi siajn komentojn al nia revuo. Tiel finfine ni havos pli precizan skribitan historion.

Aparte mi esprimas miajn dankojn al estimata s-ro Kousari,

kies efikan dokumentaron mi multe uzis kaj li antaŭ la kunveno afable legis mian verkaĵon kaj proponis al mi siajn vidpunktojn. Sendube konatiĝo kun Esperanto kaj ĝia progreso en Irano dependas de kelkaj elstaraj personoj.

Alivorte emociplenaj personoj ekkonis la lingvon kaj plenenergie disvastigis ĝin (preskaŭ samtempe kun ĝia prezento al la mondo pere de L. L. Zamenhof).

Irano en la jaro 1921 dum la unua kunsido de la Ligo de Nacioj proponis, ke Esperanto

estu uzata kiel komuna lingvo por internaciaj komunikadoj, sed bedaŭrinde la franca delegacio kontraŭis intence, ke la franca lingvo elektiĝu kiel la internacia lingvo. Elstaraj personoj de irana Esperanto-movado, kiuj antaŭenigis la movadon estas:

1. S-ro Ŝejdani
2. Dr-o SahebZamani
3. S-ro Reza Torabi
4. S-ro AhmadReza Mamduhi

Tra kronologio de esperantaj aktivajoj en Irano, oni povos trovi kiam kaj kiel aktivuloj agis.

En la unua erao de Esperanto-movado en Irano, nomoj de multaj aktivuloj troveblas en dokumentoj kiuj montras, ke ili estis sufiĉe aktivaj en esperantujo. Jen kelkaj nomoj:

Abbas Davaĉi: Li estis estrarano (kasisto) de PEA (Persa Esperanto Asocio)

Boghrat Mikailijan: Li estis uea-delegito en la urbo Guĉano en la jaro 1916 (=1295).

Mohammad Labib: Li estis uea-delegito en la urbo Gazvino en la jaro 1920 (=1299).

Bughdan Hajraptian: Li estis uea-delegito en la urbo Anzali en la jaro 1923 (=1302).

A. Rubrik: Li estis uea-delegito en la urbo Raŝt en la jaro 1923 kaj 1924.

Fazlolah Khan Parviz: Li estis uea-vicelegito en la urbo Arak (Soltanabad) en la jaro 1926 (=1305) kaj 1932 (=1311).

Habibollah Taherzade: Li estis uea-delegito en la urbo Masĝedsolejman en la jaro 1932 (=1311).

Mirza Mahmud Golŝani: Li estis uea-delegito en la urbo Raŝt en la jaro 1932 (=1311) kaj 1933 (=1312).

Ali Morad Talebi: Li estis uea-delegito en la urbo Gonbadkavus en la jaro 1939 (=1318).

Darjuŝ Namseĉi: uea-delegito

1924: Unua asocio de Esperantujo en Tabriz-urbo kun 50 membroj.



✪ Eldono de libro pri gramatika regularo de Esperanto pere de s-ro Ŝejdani

✪ Eldono de lerno-libro de Esperanto en 20 lecionoj

✪ Verko kaj eldono de “Esperanto, la komuna lingvo” pere de s-ro Ŝejdani. (tiu ĉi malnova libro nuntempe ekzistas en Irano kaj ankoraŭ uzeblas).

✪ Komenco de korespondaj kursoj pere de s-ro Ŝejdani.



✪ Instruado de Esperanto per kelkaj personoj (Kiel Reza Sadr, Ebrahim Sadr).

✪ Okazigo de apartaj viraj kaj virinaj kursoj. Muĉul, edzino de s-ro Ŝejdani (la foto) estas unua rekonita instruistino de Esperanto en Irano en la jaro 1916.



Dr-o SahebZamani kredis al disvastigo de la lingvo en universitatoj kaj li mem instruis Esperanton en Tehran kaj Meli- universitatoj kiel libera kaj laŭvola kurso. Ankaŭ ekde 1991 li estis invitita instrui en Azad-universitato de Karadj urbo, kaj al instruisto kaj al lernantoj.

“La dua Lingvo” estis lia fama perslingva libro pri Esperanto kiu kelkfoje reeldoniĝis dum la jaroj (pli ol 50mil ekzempleroj).

1914

1916-17

1975

1980



Korespondaj kursoj de d-ro Vahidi havis grandan efikon por propagandi Esperanton kiam mankis al ni interreto kaj aliaj amas-komunikiloj.

1982



Grupeto, ĉefe gvidata de s-ro Moĝtaba Ĥejrĥah (foto-ĵurnalisto) komencis eldoni interretan bultenon nomata IER (Iran-Esperanto-Raportas).

1984

En la jarlibro de UEA de 1984, unuafoje, Irana Esperanto-Movado prezentis al la mondo siajn ĉef-delegiton (AhmadReza Mamduhi), fak-delegitojn, kaj delegiton, entute ses.

1993



- ✪Fondo de Irana Esperantista Junulara Organizo (IREJO).
- ✪IREJO-Bulteno estis la unua bulteno kiu regule publikiĝis je 21 numeroj, kies ĉefredaktoro estis Reza Torabi.
- ✪Reza Torabi iniciatis kelkajn aferojn kaj aktivis en diversaj kampoj.

1994-95



- ✪Okazigo de unua kunveno de IREJO
- ✪IREJO fariĝis landa sekcio de TEJO dum 50-a IJK en Koreio.
- ✪Komenco de esperantaj klasoj kaj publiko de esperanta neregula revuo en Universitato de Tabriz pere de s-ro HakimNejad.
- ✪Okazigo de unua tutlanda elektado de estraranoj de IREJO.
- ✪Okazigo de dua kunveno de IREJO.

1996



- ✪S-ro Torabi estis IREA-komitatano kaj UEA-komitatano.
- ✪Sekretario de la Internacia Ekzamena Komisiono de ILEI kaj UEA (2006).
- ✪Plurjare li estis komitatano.



- ✪Helpo por oficiale registri Sabzandiĝano-n kiel Irana Esperanto-Asocio.
- ✪Unua ĉefredaktoro de la revuo "Irana Esperantisto".
- ✪Partopreno de Kejhan Sajadpur (la foto) en la 52-a IJK en 1996 en Germanio kaj elekto kiel membro de la centra komitato de TEJO.
- ✪Estrarano de la Tutmonda Esperantista Junulara Organizo.
- ✪Akceptiĝo de IRLEI kiel sekcio de ILEI (dufoje okazis baza nivelo de internacia ekzameno de Esperanto en Irano kaj la sukcesintoj ricevis la atestilojn).

1997-99



- ✪Dum la 86-a UK en Zagreb, s-ro Aref Azari elektiĝis kiel honora membro de UEA. Li gvidis grupeton, kiu dum la jaroj tradukis kaj redaktis PIV-on al la persa lingvo. Li estas la dua honora membro de UEA.
- ✪En kelkaj universitatoj ankaŭ aktivuloj komencis instruadon de E-o.

2001



- ✪Okazigo de kursoj en Mazandaran-universitato pere de d-ino Zahra Karimi (la foto) kaj s-ro AzarHuŝang.
- ✪Okazigo de kursoj en Kerman-universitato pere de s-ro Sardari.
- ✪Unuafoje etendiĝis IREA-a influo regione; helpe de UEA, s-ino Tereza Kapista instruis la afganajn virinojn en Maŝhado.

2003



- ✪IREA fariĝis landa sekcio de UEA en Irano.
- ✪S-ro Mamduhi verkis la persan lernolibron de Esperanto "La plej facila lingvo de la mondo". Li ĉefe instruis/as en diversaj lokoj kaj intervjuiĝis diversloke.

2005

- ✪S-ro Mamduhi iniciatis Esperanto-klubon en Allame Tabatabai Universitato.
- ✪Diversloke okazis aliaj kursoj dum la 90-aj jaroj; ekzemple en Azad-universitato de Ŝiraz pere de s-ro Samanipur, en Maŝhad-universitato pere de s-ro Borhani, s-ro Moafi kaj s-ro Partovinia. Lasttempe s-ro Benjamin Kwiecień, usonano kiu mem studas la persan ligvon en Maŝhad-universitato, kaj iniciatis klubon en universitato, kaj instruas Esperanton al la intersiĝantoj.

2018

Ondo de Instruado kaj Tradukado

Dum la jaroj de tempo al tempo kelkaj tradukantoj laŭ siaj interesoj tradukis kaj klopodis aperigi tradukaĵojn siajn. Sed lastatempe trafis nin ondo de tradukado en nia movado:

★ Kelkaj esperantaj rakontoj kaj tradukoj estas tradukitaj al la persa lingvo pere de s-ino Aĥtar Etemadi (jam aperis Aventuroj de metilernanto Hlapiĉ. Menciindas, ke tiu ĉi traduko dum 10 jaroj dufoje en 10 kaj 5 mil ekzempleroj eldoniĝis per la plej fama eldonejo de infanaj libroj, Piergo kaj Partizanojeliko) esence kunlabore kun kara Ŝpomenka Ŝtimec.

★ Publiko de esperanta traduko de malnova, sufiĉe fama irana fabelo nome “La Nigra Fiŝeto” far Samad Behrangi Tradukita per s-ino Fahmi jam sukcese okazis dum 2018 en Tehrano.

★ S-ro Amir Fekri estis premiita per dua kaj nura premio de traduk-konkurso de ajna lingvo al Esperanto por traduko de la persa verko titolite “S-ro Kohàn”.

★ En la 31-a numero de Beletra Almanako (www.beletraalmanako.com), eldonita en februaro 2018, aperis Esperanta traduko de “Samovaro” kiun verkis la fama verkisto irana s-ro Huŝang Moradi Kermani, far Saed Abbasi, irana esperantisto loĝanta en Ĉinio.

★ Post longa tempo la kurd-lingva traduko de la libro “Esperanto Per Rekta Metodo” far Stano Marĉek tradukita per f-ino Ŝler Karimi, kurda esperantistino, aperis.

★ Kelkaj tradukantoj (S-roj Hamzeh Ŝafiee, inĝeniero pri telekomunikado, Ali Moradi kaj Saed Abasi) aktive bonvenigis ekaperon de Kuriero de Unesco en Esperanto kaj sendis esperantajn tradukaĵojn al ĝi, kiuj aperis en N-roj 1/2017 kaj 4/2018). Lastatempe ankaŭ aperis nova traduko de Ali Moradi en la lasta numero de Kuriero, N-ro 1/2019.

Esperanto Oficiale en Irana Universitato

S-ro Ahmad Modaber, ne burĝono, sed frukto de la nuntempa irana movado (laŭ mi li estas rezulto de nia movado, ĉar li lernis Esperanton dum nia nuna movado), antaŭ tri jaroj proponis post-diploman kurson, nome “Unuopa Modulo pri Esperanta Tradukado” en la «Ampleksa Scienca kaj Aplikada Universitato de Qeŝem-urbo» en suda insulo de Irano. La modulo sukcese aprobiĝis oficiale.

Songĝoj Gravas!

LA ĈASISTO DE SONGĜOJ

Novelaro

En julio 2019 eldono

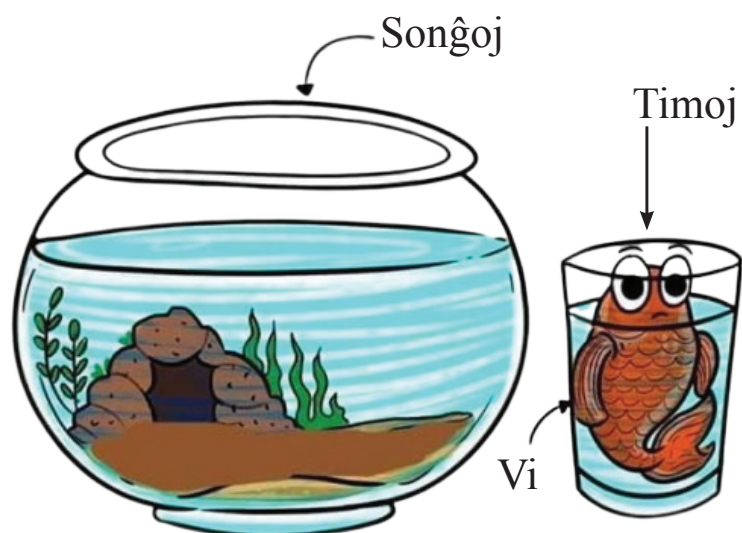


“Libera”, Belgio, eldonis la novelaron “La Ĉasisto de Songĝoj” de Julian Modest. La libro enhavas 27 novelojn, kiujn la aŭtoro verkis dum la lastaj du jaroj. Legante “La

Ĉasisto de Songĝoj” oni nerimarkeble eniras mirindan mondon, riĉan je aventuroj, emocioj, esperoj kaj amoj. La aŭtoro spertas montri kaŝitajn sentojn, fortajn dezirojn, etajn ĝojojn, bonajn agojn. La herooj ravas per siaj pasioj. Ili strebas realigi siajn celojn en la mondo, kiu estas multkolora kaj multaspekta.

Ankaŭ tiu ĉi libro, kiel iam skribis William Auld, pravas, ke: “Julian Modest estas ege sentema observanto kaj lia psikologia kompreno de la homaj sentoj kaj motivigoj estas trafa kaj profunda.”

Multaj el ni ne vivas en niaj songĝoj, ĉar ni vivas en niaj timoj.



۳۷ سال عشق

گفت‌و‌گوی سیزاندیشان با سیمین عمرانی، مدرس اسپرانتو

میانه دهه ۷۰ بود که با اسپرانتو آشنا شدم. یکی دو جلسه‌ای در کلاس‌های شهر سالم شرکت کرده بودم، لیکن به جهت کسوت سربازی و اشتغال، فرصت ادامه حضور بیشتر در این کلاس‌ها دست نداد. پس از آن با آموزش مکاتبه‌ای اسپرانتو آشنا شدم. سرکار خانم عمرانی را از آن زمان به یاد دارم. هرچند نامه‌نگاری میان ما به تعداد انگشتان یک دست هم نرسید، لیکن ریزبینی و دقت نظر ایشان در توضیح نکات دستوری را مثال‌زدنی یافتیم. نکته دیگری که می‌توانم به آن اشاره کنم ویرایش ایشان روی ترجمه داستان آقای کهن توسط نگارنده این سطور بود که نتیجه، آن بود و شد که می‌دانید. خلاصه عرض کنم فعالیت‌های مستمر و ارزشمند ایشان در عرصه‌های مختلف از بسیاری جهات ستودنی است. گفت‌و‌گوی این شماره را با ایشان ترتیب دادیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنم.

لطفاً خودتان را معرفی بفرمایید.

سیمین عمرانی هستم، متولد سال ۱۳۴۳. در رشته اقتصاد تحصیل کردم و علاوه بر اشتغال در برخی مشاغل اداری، آموزگار نیز بوده‌ام.

چطور با اسپرانتو آشنا شدید و آن را آموختید؟

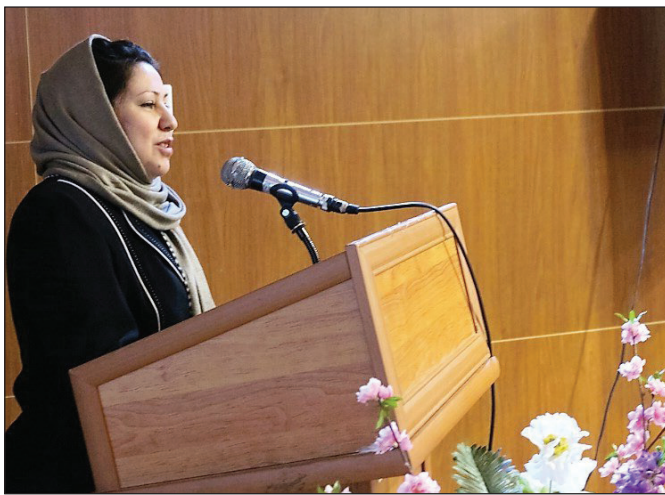
سال آخر دبیرستان در کتاب جامعه‌شناسی، در یکی از درس‌ها راجع به زامنهوف با عکس بزرگی از او در صفحه اول درس و توضیحاتی در مورد اسپرانتو، با این زبان آشنا شدم. سال ۵۶ قرار بود آموزش این زبان در مدارس رسمی شود. اما با وقوع انقلاب ۵۷ این مورد نیز از تصویب‌نامه‌های وزارت آموزش و پرورش حذف گردید. خواهر بزرگترم در سال ۵۸ با شرکت در همایش معرفی زبان اسپرانتو ویژه دبیران زبان و جامعه‌شناسی که توسط دکتر صاحب‌الزمانی با حضور بیش از ۳۰۰ شرکت‌کننده برگزار شد، به این زبان علاقه‌مند شد و فراگیری آن در خانواده ما آغاز گردید. من از سال ۱۳۶۱ نزد دکتر صاحب‌الزمانی دوره پایه و نزد خانم ژیلایدی دوره متوسط و پیشرفته را شروع کردم. پس از آن خودم با مطالعه، نوشتن و ترجمه و استفاده از هر موقعیتی برای صحبت، تلاش کردم تا اسپرانتو را فراموش نکنم و فکر می‌کنم تا حدودی هم موفق بوده‌ام!

از فعالیت‌هایی که در زمینه اسپرانتو انجام دادید و می‌دهید بر ایمان بگویید.

چه سوال سختی! ۳۷ سال عشق و علاقه را باید در کتاب نوشت. اجازه دهید تیتروار بخشی از آنها را برایتان بگویم، اگر حافظه یاری کند. کارگردانی نمایش در حوزه کودکان و نوجوانان اسپرانتودان در سنین زیر ۱۲ سال و تئاتر برای بزرگسالان به عنوان بازیگر و کارگردان در حوزه آموزشی و غیرآموزشی. سال ۱۳۷۴ آشنایی با جوان پرشور و علاقه‌مند به اسپرانتو آقای رضا ترابی در فرهنگسرای خاوران موجب شروع همکاری بی‌وقفه ما گردید.

سال ۱۳۷۶ به عضویت انجمن بین‌المللی آموزگاران اسپرانتودان ILEI و شاخه رسمی آن در ایران IRLEI درآمد. سپس به همراه چهار نفر دیگر از اسپرانتودانان به عنوان آزمون‌گر، مجوز برگزاری آزمون‌های بین‌المللی اسپرانتو را دریافت کردم که فکر می‌کنم در دو دوره سال ۸۶ و ۸۷ این آزمون‌ها در ایران برگزار شد و سال ۲۰۰۸ میلادی از جمله طراحان سؤال از این سری امتحانات در اسپانیا بودم. سال ۸۵ بود که حدس می‌زنم ترجمه ۸۰ درصد سایت Lenu! را شروع کردم و بقیه، کار سایر دوستان بود. نسخه قدیمی آن نسبت به نسخه جدید و فعلی مفصل و جذاب‌تر بود. در تدریس زبان که زمان بسیاری را به آن اختصاص دادم از آموزش مکاتبه‌ای در طول سال‌های جنگ در سراسر ایران شروع شد و سپس به شکل کلاس‌های حضوری در انجمن ادامه یافت.

ترجمه زیرنویس فارسی ویدئوی آموزشی Esperanto tra la tuta mondo یکی دیگرها از کارهایی بوده ولی به نام دوست دیگری منتشر شد. همکاری در پژوهش‌های بین‌المللی در حوزه اسپرانتو در کشورهای آسیایی از سایر موارد است.



ترجمه دو کتاب از زبان اسپرانتو، به نام‌های Esperanto monumente و Esperanto en tornistro که هر دو در مجله پیام سیزاندیشان به صورت دوره‌ای چاپ شده است. از ابتدای دریافت مجوز در سال ۷۵ برای چاپ مجله، تاکنون عضو هیات تحریریه آن هستم.

کتاب آموزشی Junul-kurso را نوین‌سازی نمودم و با زحمت فراوان برای چاپ در ایران، مجوز آن را از ناشر کتاب SAT-AMIKARO در فرانسه دریافت کردم. همکارانم خانم شلر کریمی و آقای علی مرادی در بخش فایل صوتی همراه کتاب و حروفچینی متون، کمک قابل توجهی به من کردند. چند جلد از آن در سازمان جوانان اسپرانتو توسط آقای علی رنج‌پور به چاپ رسید، اما به دلیل سرمایه ناکافی ادامه چاپ مقدور نگردیده است. فعلاً به دنبال سرمایه‌گذار هستم. اجازه دهید به همین جا بسنده کنم.

خیلی‌ها تصور می‌کنند اسپرانتو زبان ساده‌ای است، به نظر شما یادگیری کدام مباحث سخت‌تر است؟

اسپرانتو یک زبان منطقی است و کاربرد واژه «ساده» برای عموم یک اشتباه است، زیرا نمی‌دانیم این واژه برای آنان دقیقاً چه مفهومی دارد. در بسیاری از کلاس‌هایم با کسانی که تحصیلات عالی داشتند و حتی چندزبانه بودند مواجه می‌شدم که در ابتدای یادگیری کمی ترس داشتند. زیرا آنها هم به دلیل شنیدن همین واژه ساده جذب این زبان شدند. ولی در حین آموزش از قاعده‌مندی اسپرانتو و این‌که در همان جلسه اول می‌توانند صحبت کنند، متعجب می‌شدند. گاه نیز به واسطه همین صفت ساده خیلی با بی‌اهمیتی با آن برخورد می‌کردند. لذا پس از پنج شش جلسه متوجه تصور اشتباه خود می‌شدند و اظهار می‌داشتند که این زبان ساده نیست. ساده یعنی بدون این‌که به خود زحمت دهند - با درجات متفاوت بهره

هوشی - همه چیز معجزه‌وار در ذهن آنان قرار بگیرد.

به عنوان مدرس این زبان، سخت‌ترین بخش در قواعد دستوری اسپرانتو مربوط به افعال مرکب معلوم و مجهول یا همان زمان‌های مرکب و به اصطلاح *kunmetitaj tempoj* است که اساساً همیشه استفاده از آن زیاد توصیه نمی‌شود. اسپرانتو را باید ساده صحبت کرد و نوشت ولی در زمینه‌های ادبی و علمی که نیاز به کاربرد دقیق معنی در زبان است، افعال مرکب در رسایی، تمامیت و کمال معنی بسیار دقیق هستند و افعال ساده نمی‌توانند این امر را زیاد انجام دهند. لذا فراگیری آن در طول زمان با تمرین و مطالعه و صرف حوصله انجام‌پذیر است. ولی در کل باید دانش زبان مادری را نیز افزایش داد و اسپرانتو به این موضوع خیلی کمک می‌کند. فرد باید در ترجمه از زبان مبدأ (زبان مادری) منطقی فکر کند و متوجه مفهوم اصلی عبارت باشد تا بتواند مفهوم مورد نظر را به زبان مقصد (اسپرانتو) انتقال دهد. لذا ترجمه بر مبنای زبان محاوره‌ای یا تحت‌اللفظی خطاهای بسیاری را در بر دارد. برای همین همیشه به شاگردانم همزمان با فراگیری اسپرانتو مطالعه متون فارسی یا زبان مادری‌شان را توصیه کرده‌ام.

می‌خواستیم در اینجا به چند اشتباه رایج در اسپرانتو اشاره کنیم. اشتباهات رایج را می‌توان به ۱. اشتباه دستوری ۲. سردرگمی و اشتباه در نوشتن و ۳. اشتباه غیررسمی تقسیم کرد:

اشتباه دستوری

Tio floro estas bela	Tiu floro estas bela
Mi edziĝis ĉi jare	Mi edziĝis ĉi-jare
Li loĝas ĉi-tie	Li loĝas ĉi tie
Ni estas laca	Ni estas lacaj
Daŭris du centjarojn	Daŭris du jarcentojn

اشتباه در تشخیص و نوشتار

Mi dissendis la literon
Mi dissendis la leteron

Li lernas Esperanton ek de 2005
Li lernas Esperanton ekde 2005

Ŝi havas francan akcenton
Ŝi havas francan akĉenton

اشتباه غیررسمی

La libro estas verkita far fama aŭtoro
La libro estas verkita fare de fama aŭtoro

Mi demandas aliu
Mi demandas iun alian/ aliulon

فعالیت‌های انجمن اسپرانتوی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بخش زیادی از فعالیت‌های من از سال ۷۵ که انجمن تشکیل شد تاکنون در انجمن و در ارتباط با آن بوده است. در تمامی این سال‌ها نیز عضو هیات‌مدیره انجمن بودم ولی امسال خود را بازنشسته کردم. اما همچنان عضو انجمن بوده و خواهم بود.

کارکرد انجمن را به دو دوره قبل از سال ۸۸ و بعد از سال ۹۱ می‌توان تقسیم کرد. در دوره اول نیروهای جوان و علاقه‌مند با انگیزه فراوان فعالیت می‌کردند. در آن زمان شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور به شکل امروز نبود. برنامه‌های بسیار متنوع و گوناگون مثل کلاس‌های حضوری و مکاتبه‌ای، تهیه مواد کمک‌آموزشی، گردشگری در داخل و خارج کشور، برگزاری سمینارها و همایش با موضوعیت معرفی اسپرانتو و برگزاری جلسات خاص اسپرانتو در تهران و شهرستان‌ها، انتشار

مجله، چاپ کتاب و ... انجام می‌شد. خاطره آنها هنوز هم دل‌انگیز است. اما از سال ۸۸ تا ۹۱ به واسطه شرایط خاص کشور، فعالیت انجمن به خواب رفت و فقط بخش آموزش همچنان ادامه داشت.

لذا در سال ۹۱ انجمن دوباره با تعداد اندکی از اعضای قدیمی اقدام به احیای خود کرد. سایر دوستان فعلی بعداً و کم‌کم به انجمن اضافه شدند. برگزاری سخنرانی‌های ماهانه، جلسات عصر ادبی، ازسرگیری انتشار مجله و این بار به‌صورت الکترونیکی و انتشار در سایت، چاپ کتاب، احیای ثبتی و قانونی موسسه سبزاندیشان، خرید آپارتمانی برای دفتر انجمن و خلاصی از مصیبت‌های اجاره‌نشینی و معضل اجاره‌بها با نداشتن درآمد کافی برای هزینه‌های جاری، برگزاری همایش‌های آشنایی با اسپرانتو در چند سرای محله و امکان برگزاری سالگرد بنیان‌گذار اسپرانتو دکتر زامنهوف و مراسمی از این قبیل و بالاخره برگزاری سالانه کنگره‌های ملی و منطقه‌ای از نقاط قوت کارکرد انجمن در دوره دوم و بعد از احیا است. با این همه باز توقعات همگان را پاسخگو نیست. البته بخشی از این توقعات نابجا است. امروزه با پیشرفت فناوری و وجود اینترنت بخشی از امور از جمله معرفی و آموزش به سادگی انجام می‌گیرد. تبلیغات به‌راحتی و عمدتاً رایگان در شبکه‌های اجتماعی قابل انجام است و مواردی از این قبیل. البته شخصاً با این که همه چیز در فضای مجازی اتفاق بیفتد موافق نیستم. زیبایی ارتباط واقعی را که هدف اصلی اسپرانتو است از بین می‌برد.

برای تکرار به قول شما «خاطرات دل‌انگیز گذشته» و پویایی بیشتر انجمن چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟

خاطرات گذشته تکرار نمی‌شوند زیرا الان شرایط همچون گذشته نیست که بتوان آن‌گونه فعالیت‌ها را تکرار کرد. پویایی بیشتر انجمن صرفاً بسته به خود انجمن نیست، بلکه پیش شرط آن مساعد بودن شرایط اقتصادی و اجتماعی در کشورمان است. در همین اوضاع کنونی حفظ و حراست از انجمن و سرپا نگه داشتن آن هر چند ضعیف، خود تلاشی پرعشق می‌طلبد.

حتماً از شرکت در کنگره‌ها یا میزبانی اسپرانتودانان خاطرات خوب و جالبی دارید، یکی از این خاطرات را برایمان تعریف می‌کنید؟

سده اسپرانتو در سال ۱۹۸۷ در ورشو لهستان، بزرگ‌ترین کنگره جهانی اسپرانتو تا امروز با حدود ۶۰۰۰ شرکت‌کننده از سراسر دنیا برگزار گردید که من هم در آن شرکت کردم. آدم‌های رنگارنگ با قومیت، نژاد، زبان، ادیان متفاوت و همگی به یک زبان. همایشی بزرگ، باشکوه، زیبا، پرابهت و در حقیقت یک جور مدینه فاضله. دیدار با برخی شخصیت‌های معروف مثل زالسکی زامنهوف و بقیه خانواده زامنهوف، رومن مالینوسکی رئیس پارلمان لهستان، بسیاری از مشاهیر اسپرانتو که اکنون دیگر در قید حیات نیستند و برنامه‌های متنوع و گوناگون.

دوست داریم ما را مهمان مطلبی به اسپرانتو کنید. هر چیزی که فکر می‌کنید می‌تواند برای خوانندگان ما جالب باشد.

Por lerni, vi devas serioze studi kaj esti pacienca kaj kuraĝe praktiki. Vi ne devas timi pri la eraroj kiam samtempe atentis pri la korekto. Tiam vi povos diri ke mi scipovas. Se ne, vi ĉiam restos en la komenco de la vojo.

شما چطور اسپرانتو را برای علاقه‌مندان معرفی می‌کنید؟ اصلاً یادگیری اسپرانتو را به اطرافیان تان توصیه می‌کنید؟

در این زمینه هرگز موفق نبودم و نتوانستم آن‌را به شکل جذابی تبلیغ کنم.

چیزی هم هست که نپرسیده باشیم و دوست داشته باشید اینجا بیان کنید؟

چیزی که تمامی اسپرانتودانان آرزو دارند؛ اسپرانتو در کنار سایر زبان‌ها رسماً جهانی شود. اما پیش از آن دوست دارم آموزش آن در مدارس ایران اتفاق افتد و شاهد آن باشم.

Ho, Vi Evidenta!

Mi vin vidas, aŭdas, flaras, gustumas, palpas.
Kiu diras, vin senti ne eblas?

Kiu diras, kaŝita vi estas?
Mi vidas vin en la geometriaj molekuloj de neĝo,
en la brilego de la suno, en florado de rozo,
kaj en flugado de kolomboj vidalvide al nia domo.

Mi aŭdas vin en horloĝa tiktako,
en infaneca rido de najbara infano,
en roĝo de aleo,

kaj en kanto de kolombo malantaŭ mia fenestro.
Mi vin flaras en polianto, Kerianto, blanka jasmeno.
Mi vin en natura sukplena mielo, lakto,

kaj freŝa daktilo gustumas.
Mi vin en matena brizo, karesa varmo de la suno
kaj en delikata velura flor-folioj de violoj palpas.
Mi vin kun mia tuta esto sentas,
ho, vi senlima oceano de ekzistado!

Elprenita el hamŝahri tagĵurnalo

Tradukis: M. Fahmi

دور دنیا در ۷۹ روز

ترجمه: سیمین عمرانی

قسمت سی و دوم (بخش پایانی)

بازگشت

پیش می‌آید که چرا او چنین کاری کرد؟ او پاسخ داد: "اگر انجام این سفر مقدور باشد، مهم این است که یک انگلیسی آن را تحقق بخشد". ولی این کار استقامت به خرج دادن جامعه آن دوران انگلستان را، آن هم در برابر انبوهی از مسافر، و ماجراجو و پژوهشگر که درباره مناطق و سرزمین‌ها - و اقلیم‌های کاملاً ناشناخته برای اروپایی‌ها - اطلاع رسانی می‌کنند، و یا کامل کردن موزه‌های لندن با نمونه‌های فوق العاده جالب از فرهنگ‌های گوناگون دنیا را متصور می‌سازد.

در بازگشت به خانه، بعد از این انفجار رادیو - تلویزیونی و مطبوعاتی که سفر ما را دنبال کرده بودند، با قاطعیت و تأکید می‌توانیم بگوییم که: ما ملاحظه کردیم که چنین کاری ممکن است و مهم‌تر آن که کاتالونیایی‌ها به آن جامه‌ی عمل پوشاندند.

خطای غیر قابل بخشش

توی خانه در حین بازدید و بررسی اسناد و مدارکمان، بلیط قطاری را پیدا کردیم که از آن در ۱۹ آگوست از لندن به پاریس استفاده کرده بودیم. با دیدن آن متوجه شدیم که ساعت ۵:۵۰ لندن را ترک کرده‌ایم. به خاطر انگیزه‌ای مرموز این فکر را در سر خود تقویت کردیم که باید قبل از ساعت ۹ صبح به باشگاه رفورم رسیده و معرفی شویم.

خودبینی ما شکسته شد و سخت‌گیری نکردن و دقت به خرج ندادن ما باعث شد زمان را از دست بدهیم و در اصل ما دور دنیا را نه در عرض ۷۹ روز، بلکه ۷۹ روز و ۳ ساعت و ۱۲ دقیقه طی کردیم.

به هر حال برای آن که قهرمانانی دروغ‌گو نباشیم، سرتاسر طول سفرمان را همان‌طور که بود شرح دادیم. وقت آن رسیده که بگوییم نتوانستیم رکورد را بشکنیم و بجای ۷۹ روز در عرض ۸۰ روز دور دنیا گشته‌ایم همان‌طور که از اول گفته بودیم. شاید هم شرط را برده باشیم ولی آن را به بالای سرمان نمی‌بریم. ما در مقابل مربی خود فیلیس هوگ به خاطر این خطای نابخشودنی خجالت زده‌ایم. اما تا زمان دیگری که به مدد تجربیاتی که به دست آوردیم بتوانیم مدت زمان کم‌تری را تحقق ببخشیم، این موضوع را کنار می‌گذاریم.

حرف آخر

نگران آن چه که در این جا می‌گذارید نباشید. زمانی که برگردید،

بازگشت ما به خانه بیش از آن چه تصور می‌کردیم ایجاد شور و هیجان نمود: در ایستگاه منتظر ما بودند و از طرف تلویزیون آمده بودند تا از ما فیلم برداری کنند. وقتی به روستای خودمان رسیدیم منتظر ما بودند درست مثل بچه‌های گم‌شده‌ای که بعد از مدت‌ها که از خانه دور بوده‌اند اکنون دوباره برمی‌گشتند. رسانه‌های خبری همه را به هیجان آورده‌اند و همگی می‌خواهند با ما مصاحبه کنند. تلفن مرتب زنگ می‌زند و خلاصه تا شب مشغول مصاحبه هستیم. ما نیز قبول داریم که سفرمان با مشکلات و گره‌هایی که داشت به هیچ وجه با کارهایی که بعضی‌ها برای فرهنگ و یا برای اسپرانتو می‌کنند و هیچ‌وقت هم شناخته نمی‌شوند شباهتی ندارد. مردم هم خیلی حق دارند بگویند که قهرمان شدن در عرض ثانیه‌ای اتفاق می‌افتد ولی آدم شدن یک عمر طول می‌کشد.



به خانه رسیدیم!

ما خوشحالیم، چون به همه‌ی اهدافی که در ابتدا برای خود طرح کرده بودیم رسیدیم، ولی در آخر چنین بازتابی ما را شگفت‌زده کرد و ما به خود می‌بالیم که کارمان را درست انجام داده‌ایم. ما میل داشتیم ثابت کنیم، که با اسپرانتو می‌توان به دور دنیا سفر کرد و موفق شدیم. می‌خواستیم مردم از این بابت مطلع شوند و اکنون جلوی ایستگاه‌های رادیو و تلویزیونی ظاهر می‌شویم. بهتر از این دیگر امکان ندارد.

لرد آلبرنال Lord Albenal پیرمرد افلیج جامعه ثروتمندان لندن، همیشه به سفر فیلیس فوگ اطمینان داشت و برخلاف اکثریت، او ۴۰۰۰ پوند سر فیلیس شرط بندی کرد. اما سوال

هم بدتر، به هر حال متفاوت خواهد بود و به طور یقین عواطف و احساسات ما نیز به گونه‌ای دیگر.

خاطرات بخش استثنایی سفر است. نتیجه سفر بدون به خاطر آوردن لحظات شیرین پشت سر گذاشته شده چه می‌تواند باشد؟ بدون آن لحظه‌های خاص که پختگی و دانایی آدم را غنی‌تر می‌کند. سفر چه معنایی می‌تواند داشته باشد وقتی با دیدن یک تصویر تلوزیونی خاطره‌ای تداعی می‌شود و آدم را وادار می‌کند که بلافاصله بگویید: من آن‌جا بودم!؟

هرمان دو پیام الکترونیکی فرستاد. او قول داد ادامه ماجراهای کشتی را تعریف کند و آن را به بهترین نحو انجام دهد. او از توقفی در بندر مالزی استفاده کرد و شبی را در تنگه جبل الطارق سپری نمود او گفت که بندر لانگ بیچ را ۱۳ روز دیرتر ترک خواهد کرد. برای این‌که از تأخیرهای مهم‌تری جلوگیری شود، توقف در یان تیان و روتردام را لغو کردند. در بندر سان فرانسیسکو پلیس دریایی وارد کشتی ما شد. آن‌هم برای این‌که مبدا کشتی با خود مسافران قاچاق داشته باشد، ولی هیچ چیز پیدا نکردند. به احتمال زیاد آن دزدها ما بودیم؛ چون در توکیو یکی مراقب ورود ما به کشتی بود، آخه ما یک کم قیافه عجیبی داشتیم او هم باور کرد که ما جزو مهاجران غیرقانونی و خبرچین هستیم. خوشبختانه لوس آنجلس از کشتی پیاده شدیم.

به خاطر احتمال وقوع توفان کشتی را به سمت جنوب، نزدیک به جزیره هاوایی، تغییر مسیر دادند. مدت‌ها بود که آرزوی دیدن غروب خورشید در دریا‌های جنوب را داشتیم! یکی از آن غروب‌هایی که به قول گفتنی در تمام طول زندگی به یاد می‌ماند و فراموش نشدنی است. آر. ال. استیون سون نویسنده "جزیره گنج"، با تأکید اظهار می‌کند که، اولین عشق، اولین غروب خورشید و اولین دیدار دریا‌های جنوب برای همیشه در یاد انسان مَهر می‌خورد.

در تنگه‌ی مالاکا از خارج نیز می‌بایست مراقب کشتی باشند چون امکان حمله دزدان دریایی وجود داشت و تعدادشان در آن آب‌ها به وفور یافت می‌شد، هرچند با سرعتی که کشتی داشت امکان یورش و هجوم مقدور نبود. در بندر هنگ‌کنگ افسر ارشد در برافراشتن پرچم چین یا هنگ‌کنگ تردید داشت. آخر سر تصمیم گرفت که پرچم چین را بالا ببرد چون بداخلاقی هنگ‌کنگی‌ها کمتر آدم را می‌ترساند تا چینی‌ها. این تصمیم خوب کاپیتان یوچن بود و سپس در منطقه خطرناک باقی ماند. سومالی که از ساحل آن حداقل باید ۱۰۰ کیلومتر دور شد و کانال سوئز که خطر ریسک جنگ با عراق را داشت. کشتی سرتاسر دریای سومالی را در حالی که از ساحل پرت می‌افتادیم با سکوت رادیو و وسایل ارتباطی دیگر طی کرد. در کانال سوئز اسکورت داشتیم، یک کاروان دریایی با ۹۲ کشتی ما را همراهی کرد. خسته‌کننده بود. در سوئز از جا در رفتن و خشونت زمانی به اوج خود رسید که خبر غرق شدن کشتی نفتی "پرستیژ" قبل از رسیدن به ساحل پخش شد. کشتی می‌بایست مسیر خود را عوض می‌کرد و زمان از دست می‌رفت و این بدین معنی بود که هرمان با مسرت کامل می‌توانست به سفر ادامه دهد گروهی از دلفین‌ها او را تا ساحل

همه چیز را همان‌طور که بوده خواهید یافت؛ همه بدون تغییر می‌مانند. شما یقیناً عوض خواهید شد، اما این چیزها در این‌جا نه - این‌ها صحبت‌های دوستان پپ Pep قبل از حرکت بود. طبق معمول او درست می‌گفت. در حالی که احساس عجیب دوری از خانه و غربت بر ما تاختم بود می‌دیدیم همه چیز بعد از این همه مدت همان‌طور باقی مانده است. احساس می‌کنیم اگر جلوی خود را نگرفته بودیم دنیا از حرکت باز می‌ماند. توقف، بازگشت به زندگی روزمره، کمی ما را می‌ترساند. در بازگشت، دنیا را کوچک‌تر و خانه و محل زندگی‌مان را بزرگ‌تر می‌دیدیم.

شتاب‌زدگی در هر سفری هست و این در مورد سفر ما بیش‌تر بود و احساس نداشتن وقت برای لذت بردن از چیزهای دیدنی در جاهای که داشتیم بازدید می‌کردیم ما را تحت فشار قرار می‌داد. اما ما به قصد و هدف خود آگاه بودیم، و هر تصمیمی را که گرفتیم، اگرچه برخلاف میل‌مان بود، سریع انجام دادیم. آن‌چه که در نهایت اهمیت بود و ضرورت داشت سفر در طی ۸۰ روز بود و بر پایه‌ی چنین فرضی می‌بایست تا حد ممکن از جاهای بیش‌تری بازدید می‌کردیم. بی‌شک نتوانستیم از سحر و افسون استانبول لذت کامل ببریم، یا میراث عظیم فرهنگی ایران زمین را مشاهده کنیم، نتوانستیم در تاریخ اعجاب آور سمرقند و بخارا غرق شویم، در حالی که در چین با تنوع فرهنگی و گونه‌های متنوع زندگی مواجه بودیم نتوانستیم آن را آن‌طور که باید و شاید درک کنیم. فقط برای بازدید از چین و آن‌هم به شکل گذرا به ۸۰ روز وقت نیاز داشتیم و شاید کل سفر ما حداقل به ۶ ماه زمان احتیاج داشت.

ما همه جور غذا و نوشیدنی خوردیم. اصول ابتدایی که هر مسافری باید به آن توجه داشته باشد مثل نخوردن غذاهای پخته نشده و خام و یا نوشیدنی‌هایی که در بطری بسته بندی نشده‌اند را رعایت نکردیم. سوار ماشین‌ها و اتوبوس‌هایی شدیم که ما را به سوی حوادثی قطعی سوق می‌داد ولی هیچ چیز مهمی ما را آزار نداد، چون در هر سفر، هر چند طولانی، اتفاقی نیفتاد که اگر در خانه می‌بودیم می‌توانست آن شرایط تغییر کند و نتیجه را هم تغییر دهد.

خلاصه، ماجرا خوب تمام شد، اما عیناً می‌توانست خوب تمام نشود. اگر در آخر سفر این جریان عقیم می‌ماند یک چیزهایی تغییر می‌کرد. برنامه ریزی سفر در طول راه به کمک اطلاعاتی که در طی سفر به دست می‌آوردیم یکی از جالب‌ترین ادعاهای برتر ما است، و حالا، در آخر ماجرا این قضیه ثابت شد. تقلای زیاد برای رسیدن به هدف، ما را وادار کرد هر روز در مبارزه باشیم، و تلاش مداوم برای بدست آوردن اطلاعات ضروری در کوتاه‌ترین زمان ممکن هنگامی که یکی از وظایف‌مان را انجام می‌دادیم، با خوشحالی جبران می‌شد.

حالا در خانه، با نگاهی به لیست آدرس‌ها و تقاضای سفارش شدن توسط آشنایان‌مان، لحظاتی را به یاد می‌آوریم. لحظاتی که هرگز دوباره آن‌ها را سپری نخواهیم کرد و برنمی‌گردند. ما می‌توانیم جاهای مشابهی را ببینیم و حتی سفر مشابهی را ترتیب دهیم، اما قطعاً همه چیز عین هم نخواهد بود. شاید بهتر و شاید

اسپانیا همراهی کردند. ما خیلی خیلی زود کشتی را ترک کردیم.

Zsolt همان جوانی که از ستون‌ها در میدان بدون تجهیزات ایمنی بالا می‌رفت و ما از او فیلم گرفتیم، به ما خبر داد که چند روز بعد از دیدار ما تصمیم می‌گیرد از مجسمه ماتیاس کورویو که از پادشاهان مهم مجارستان بوده بالابرد و به قول خودش آن را رصد نماید. ظاهراً این پسر دوست دارد با زندگی خودش در مقابل چشمان مردم، آتش‌نشان‌ها و پلیس که او را برای پایین‌آمدن صدا می‌کردند، ریسک کند و آن را به خطر اندازد.

جان، امریکایی‌ای که با او در کشتی چین آشنا شدیم برای ما ایمیل فرستاد. او بدون مشکل به خانه رسیده و در عروسی خواهرش در نیویورک حاضر شده است. او برای دریانوردی به ما پیشنهاد کمک می‌کند و به یادمان می‌اندازد که اطلاعات خودمان را برایش بفرستیم چون می‌خواهد مثل ما سفری در پیش بگیرد. ما مراتب قدردانی خود را بخاطر پیشنهادش به او ابلاغ می‌کنیم و در خانه گزارشی از سفرمان برای او می‌نویسیم و در ماجراهایی که پیش رو خواهد داشت برایش آرزوی خوش اقبالی و سعادت می‌کنیم.

Hu Xu و Peng عکس‌هایی را که در ووآن گرفته بودند در یک پاکت برای ما ارسال کردند. آن‌ها به‌خاطر بازدید ما از چین تشکر کردند و آمادگی خود را در صورت نیاز ما به هر گونه اطلاعاتی اعلام کردند. دختر Peng که ساق پایش شکسته و در بیمارستان بود سریعاً بهبود یافت. سال آینده او برای این‌که زبان فرانسه و اسپرانتو را یاد بگیرد به پاریس خواهد آمد. او میهمان یک خانواده اسپرانتیست خواهد بود. خود Hu Xu در نظر دارد با پسرش برای تمرین فوتبال سال بعد به اروپا بیاید. اکنون مسابقه‌ای بین تیم‌های چین و کاتالونیا ما را ترغیب به گپ زدن به یکدیگر کرده و ایمیل‌های ما با رقابتی پراز احترام از این موضوعات پر شده است.

برای سانگ بن Song Ben فروشنده پنجره و اشیاء مرمری در شن زن، درباره معادن سنگ که در نزدیک منزل بود، و از آن‌جا سنگ کنیا (Cenia) به بازار روانه می‌کنند و هم‌چنین درباره کارخانه‌های سرامیک کاستلو (Castelló) اطلاعاتی فرستادیم. او طی پیامی از ما تشکر کرد و گفت که ماه می سال آینده به اسپانیا خواهد آمد.

پس از رسیدن ما چند روز بعد، در تلویزیون و روزنامه این خبر را خواندیم که بزرگ‌ترین سد دنیا در چین در کنار رودخانه یانگ زی ساخته می‌شود. در این سد آب تا گلوگاه‌های آن خواهد رسید. این سد بزرگ‌ترین انتقال دهنده آب در دنیا خواهد بود و ما اوووونجا بودیم!

گذرنامه‌ها

بعد از سفر نگاهی به گذرنامه‌هایمان انداختیم. شگفت‌انگیز بود، چون هر دو تا سال آینده تاریخ اعتبارشان تمام می‌شد. اگر هر دوی ما را با هم حساب کنند، می‌شود گفت تا حد زیادی دنیا را گشته‌ایم. واقعاً فقط چند برگ از گذرنامه‌ها خالی مانده بود.

این هم فهرست کشورهایایی که طی ۱۰ سال اخیر به آن‌جاها سفر کردیم. همه کشورهای اتحادیه اروپا، مجارستان، رومانی، بلغارستان، ترکیه، ایران، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، هند، نپال، پاکستان، چین، تایلند، ژاپن، شیلی، آرژانتین، پرو، اکوادور، آمریکا، کانادا، کوبا، مراکش، کنیا و تانزانیا.

سیاس و قدردانی

سفر به دور دنیا در ۸۰ روز امکان پذیر نبود مگر به مدد انبوهی از انسان‌هایی که به ما به عنوان آشنایان خود خوش‌آمد گفتند و به عنوان دوست ما را بدرقه کردند. از همه دوستانی که در راه به آن‌ها برخورد کردیم و با زیرکی از لطافت و ظرافت طبع‌شان اندکی دزدیدیم و توی ساک‌هایمان گذاشتیم، همانطور که چیزهایی هم از خودمان به آن‌ها تحویل دادیم، و به همین دلیل نیز از همه‌ی کسانی که به ما کمک کردند و چیزهای بسیاری به ما دادند سپاسگزاریم. معمولاً تشکر کردن موضوع خسته‌کننده‌ای است و برای همین خیلی‌ها از گفتن آن اجتناب می‌کنند. ولی برای ما اجبار خوشایندی است و آن را با مسرت زیادی ابراز خواهیم کرد. فهرست وار به ترتیب از همه‌ی آن‌هایی که به نوعی به ما کمک کردند نام خواهیم برد هرچند کسان دیگری هم بودند که نامشان در این کتاب نیامده ولی ما قلباً به یاد آنان هستیم از جمله خانواده و دوستان‌مان و خوانندگان لحظه به لحظه گزارش سفرمان و پیام‌های دلگرم‌کننده و جسارت بخش آن‌ها در طول مسافرت.

Libert Puig : ساعت‌های طولانی صرف ترجمه گزارش‌های سفر ما از زبان کاتالونیایی به اسپرانتو کرد و آن‌چه شما به اسپرانتو خواندید نتیجه زحمات اوست.

Lluís Blasco : خیلی از وقت استراحت خودش زد و هماهنگی و تنظیم پیام‌های الکترونیکی هر روزه ما را که به این‌ور و آن‌ور پرت و بلا می‌کردیم به عهده داشت.

Marti Crespo : از ویلا وب تنها فردی از رسانه‌های گروهی بود که فضایی در اینترنت برای ما ایجاد کرد تا اخبار سفرمان را برای عموم منتشر کنیم.

Nigel Tort : خانه‌اش را در برایتون انگلستان در طی اولین اقدامات دیپلماتیک به ما قرض داد.

Zsolt Zagoni : راهنمای ما در بوداپست که همه‌ی شهر را در یک رکورد زمانی یعنی یک روزه به ما نشان داد.

Vasile Paul, Toma, Elizabeta : ما را در منزل خود در رومانی پذیرفتند. آن‌ها لباس‌ها و ملافه‌های ما را شستند و برای ادامه قسمتی از سفر غذا برایمان تدارک دیدند.

حمزه شفیع: کار خود را به خاطر ما کنار گذاشت و مرخصی گرفت و در تهران ما را همراهی کرد. او ما را در خانه خود میهمان کرد. بلیط اتوبوس خرید و بسته‌ای را هم به روستای ما سنیا Sènia در کاتالونیا فرستاد.

کیهان صادپور: آپارتمان ۲۴۰ متری خود را در اختیار ما گذاشت و

Wang Tianyi: وی در Sjinano دفتر کاری داشت که سه نفر در آن کار می‌کردند. زبان کاری در آن جا چینی و اسپرانتو بود. او به ما اجازه داد که شب را در دفتر کار او در اتاق مجزایی که مخصوص میهمانان بود بگذرانیم.

Wei Chi: فعال‌ترین و صبورترین راهنمای سفر ما. او شهر Sjinano را خیلی خوب می‌شناسد.

Gu Gunhua: ما را در تمام شهر Coking و اطراف آن با کامیون‌اش که جملاتی به اسپرانتو روی آن طراحی شده بود گرداند. با او در مسیرهای ممنوع حرکت می‌کردیم و او در فاصله کم میان دو اتوبوس رانندگی می‌کرد و ما را به جلو هل می‌داد. خیلی جالب بود.

Zhao Dezhi: در کنار Gu همراه ما بود. انسانی بسیار مهربان و یک پروفیسور برجسته.

Hu Xu: از او نام می‌بریم چون شبی در منزل او بودیم و اجازه نداد که ما برای اقامت چیزی پرداخت کنیم. برایمان بلیط تهیه کرد و در Vuhano خیلی به ما کمک کرد.

Peng Zhengming: که بلافاصله از بارسلون به چین آمد و اخباری از وطن‌مان برایمان گفت و در بازدید از Vuhano ما را همراهی کرد.

و بقیه دوستانی که ما در شانگهای، شیکاگو و نیویورک در منزلشان میهمان بودیم و برایمان غذا و بلیط تهیه کردند و مصاحبه‌هایی نیز برگزار شد. هم‌چنین مراتب قدردانی و سپاس خود را از کسانی که ما را در تهیه و تنظیم و چاپ این کتاب یاری نمودند اعلام می‌کنیم. از همه یارانی که به ما امید دادند تا این سفر را به پایان بریم و همه خوانندگانی که هر روز جریان سفر را از طریق اینترنت دنبال کردند و در ادامه‌ی راهمان از پیشنهادات و نظرات خود برای کمک به ما دریغ نوزیدند، از همگی متشکریم.

در سرتاسر شهر مشهد با اتومبیل نو ماتیس خودش ما را راهنمایی کرد.

سعید برهانی: جانشین کیهان صیادپور شد و مشهد را مثل یک راهنمای مخصوص برای جهانگردان به ما نشان داد.

محمد علی ترشیزی: به ما کمک نموده و در تلویزیون ایران با ما مصاحبه کرد.

Ahmedor Aminjar: راهنمای ما در بخارا بود.

Vladimir Abramov: یک شب در سمرقند در خانه‌اش میزبان ما بود و شهر را در زیر هاله‌ای از اشعه‌های غروب خورشید به ما نشان داد.

Anatolo Ionesov: در موزه صلح سمرقند از ما پذیرایی کرد و اقامت‌مان را برای دو روز سازماندهی نمود.

Evgeni Prevertajlo: پول تلفن ما را پرداخت کرد و به این ترتیب ما توانستیم خط تلفن داشته باشیم و بتوانیم گزارش‌هایی که تأخیر داشتند ارسال کنیم. از کاترینا هم ممنونیم که چند دیسک برای ضبط موقع صرف شام به ما داد.

Dina Lukjanec: میهمان خانه‌ی او بودیم و سرتاسر آلماتا را به ما نشان داد.

Lin Xiazhe: برای ورود ما به چین هماهنگی‌های لازم را ترتیب داد.

Jiang Ruibin: برای ما غذا فراهم کرد و ارزان‌ترین هتل را برای تمام طول اقامت‌مان به ما معرفی نمود؛ و شهر لونجواؤ را نشانمان داد.

Cheng Lijin / Liu Renjun: زن و شوهری که به همراه Ruibin شهر لونجواؤ Longouo را دیدیم.

دوره‌های آموزش حضوری در دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی

باشگاه اسپرانتوی مرکز زبان دانشگاه علامه طباطبائی برگزار می‌کند:

کلاس‌های آموزشی زبان جهانی اسپرانتو در سه سطح مقدماتی، متوسطه و پیشرفته

مدرس: مهندس احمدرضا ممدوحی (نخستین سرنامینده انجمن جهانی اسپرانتو در ایران؛ ریاست اسبق انجمن اسپرانتوی ایران و مؤلف کتاب ارزشمند آسان‌ترین زبان دنیا).

برای اطلاعات بیشتر و/یا ثبت نام در کلاس‌های حضوری یا مجازی اسپرانتو، با آی دی زیر در تلگرام تماس بگیرید:

@ATULC10



Regula ekzerco ŝanĝas la cerbon por plibonigi memoron kaj pensado-ekzercitecon



Ekzistas multegaj bonaj kialoj por esti fizike aktiva. La plej gravaj estas malpliigi la ŝancojn por elvolviĝi kora masano, apopleksio, kaj diabeto. Eble vi volas maldikiĝi, malaltigi vian sangopremon, antaŭmalhelpi depresion, aŭ nur aspekti pli bona. Jen alia kialo, kiu specife aplikas al tiuj (inkluzive mi mem) kiuj spertas la cerban nebulon kiu venas kun pliaĝiĝo: ekzerco ŝanĝas la cerbon en manieroj ke povas protekti memoron kaj pensado-ekzercitecon.

En iu esploro plenumita ĉe la Universitato de Brita Kolumbio, esploristoj trovis ke regula aerobia ekzerco, tiu kiu pumpas vian koron kaj ŝvitoglandoj, ŝajnas ke pligrandigas la hipokampon, la regiono de la cerbo kiu estas inkluzivita en parola memoro kaj lernado. Rezisto-trejnado, balancado kaj muskolo-toniigo ekzercoj ne havis la samajn rezultojn.

La eltrovaĵo malkovriĝis je gravega tempo. Esploristoj diras novan kazon de demenco estas malkovrita je ĉiu kvar sekundoj tutmonde. Ili taksas

ke ĝis la jaro 2050, pli ol 115 milionoj da homoj havos demencon tutmonde.

Ekzerco kaj cerbo

Ekzerco helpas memoron kaj pensadon per kaj rekta kaj malrekta rimedoj. La beneficoj de ekzerco rekte venas el ĝia potenco redukti insulino-reziston, redukti brulumon, kaj stimuli la eligadon de kreskofaktoroj - kemiaĵoj en la cerbo kiu efikas la sanon de celaj ĉeloj, la kresko de novaj sangaj vaskuloj en la cerbo, kaj eĉ la abundeco kaj postvivo de novaj cerbaj ĉeloj.

Nerekte, ekzerco plibonigas humoron kaj dormon, kaj reduktas streĉecon kaj ansion. Problemoj en tiu ĉi kampoj ofte kaŭzas aŭ kontribuas al kognativa nesufiĉeco.

Multaj esploroj montras ke la partoj de la cerbo kiuj kontrolas pensadon kaj memoron (antaŭfronta kortekso kaj mediana tempa kortekso) havas pli grandan volumenon en popoloj kiuj ekzercas kontraŭ popoloj kiuj ne ekzercas. D-ro Scott McGinnis, neŭrologo ĉe Brigham kaj Hospitalo de Virinoj kaj instruisto en neŭrologio ĉe Harvard Medicina Lernejo diras: “Eĉ pli ekscita estas eltrovi ke engaĝigata en programo de regula ekzerco de modera intenseco dum ses monatoj aŭ unu jaro estas rilatanta al pligrandiĝo je la volumeno de elektitaj cerbaj regionoj”

Ekzameni ĝin

Do kion vi devas fari? Komencu ekzercadon! Ni ne

ekzakte scias kiu ekzerco estas la plej bona. Preskaŭ ĉiuj esploroj rigardis al marŝado, inkluzive la plej lasta esploro. D-ro McGinnis diras: “Estas verŝajna ke aliaj formoj de aerobia ekzerco kiuj pumpigas vian koron havas similajn avantaĝojn.”

Kiom da ekzerco necesas por plibonigi memoron? Partoprenantoj de tiu esploro vigle marŝadis dum unu horo, dufoje po sejamne. Tio estas 120 minutoj da modera intencesa ekzerco po sejamne. Standardaj rekomendoj konsilas duono da horo de modera fizika agado plej multaj tagoj de la semajno, aŭ 150 minutoj po semajno. Se tiu ŝajnas malfacilega, komencu kun kelkaj minutoj po tago, kaj pligrandigu la kvanton de via ekzercado 5 aŭ 10 minutojn ĉiusemajne ĝis atingi vian celon.

Se vi ne volas marŝi, pripensu pri aliaj modera intencesa ekzercoj, kiel naĝado, ŝtupara grimrado, teniso, skvaŝo, aŭ dancado. Ne forgesu ke domanaraj agadoj ankaŭ validas, kiel intencesa planka viŝpurigado, rasti foliojn, aŭ io ajn kio pumpigas vian koron tiom kiom ke vi iomete ŝvitos.

Ĉu vi ne havas la disciplinon por memfari tion? Provu ajnan aŭ ĉiujn tiujn ideojn:

- Aliĝu al klaso aŭ ekzercu kun via amiko kiu tenos vin respondeca.
- Kontrolu vian progreson, kiu kuraĝigas vin atingi la celon.
- Se eblas al vi, dungu personan trejniston. (Pagi iun spertulon estas bona motivo)

Kion ajn ekzercon aŭ motivinganton vi elektas, devontigu sin establi ekzercon kiel unu kutimo, preskaŭ kvazaŭ preni preskribitan medikamenton. Malgraŭ ĉio, oni diras ke ekzerco estas medicino, kaj tio povas esti la plej grava afero en iu ajn listo de kialoj por ekzerci.

Fonto: <https://www.health.harvard.edu/blog/regular-exercise-changes-brain-improve-memory-thinking-skills-201404097110>

Tradukita de: Ali Moradi

Reviziita de: Ronaldo Negromonte

نخستین استفاده یونسکو از اسپرانتو در جشنواره صلح

نوزدهم سپتامبر ۲۰۲۰ (تقریباً یک سال بعد) یونسکو، جشنواره‌ای را برای بزرگداشت صلح در Tolosa اسپانیا برگزار خواهد کرد.

زبان کاری این فستیوال، فرانسوی، انگلیسی، اسپانیایی و اسپرانتو خواهد بود.

به این ترتیب برای نخستین بار، از زبان اسپرانتو در کنار زبانهای دیگر، به عنوان زبان کاری گردهمایی بین‌المللی استفاده خواهد شد.

در زمان برگزاری این فستیوال، فیلم کوتاهی نیز از ترانه‌های صلح که در سراسر جهان و به زبان‌های مختلف به صورت کر اجرا شده‌اند، به نمایش گذاشته خواهد شد. ولی متن ترانه‌ها باید به یکی از چهار زبان کنگره که به آنها اشاره شد، ترجمه شود.

اگر ترانه‌ای در مورد صلح می‌شناسید که به هر زبان یا به اسپرانتو به صورت کر اجرا شده باشد و بتوان آن را برای تهیه فیلم کوتاه سه دقیقه‌ای مورد استفاده قرار داد، با نماینده سازمان بین‌المللی اسپرانتو (UEA) نزد یونسکو، فرانسوا به آدرس (francois@lojacomu.eu) تماس بگیرید.



AUGSBURG 1910 ANTVERPENO 1911

KOMPREENEBLE malriĉa studento ne havis la monon por veturi al Usono, kie okazis la universala kongreso en 1910, sed mia amiko Hector Hodler organizis apartan kongreson de UEA en Augsburg, la malnova kaj ĉarma bavara urbo, kaj tie li kaj lia amiko Rousseau klarigis al la pioniroj sian doktrinon pri tuja uzebleco de la mondlingvo. Ili estis severaj doktrinuloj, malŝatis la emon varbi eminentulojn ne sciantajn la lingvon aŭ fidi je belaj deklaroj aŭ ceremonioj sen ia sekvo. Ili volis, ke nia lingvo estu konsiderata kiel ekzistanta fakto kaj funkciu tuj nun kiel ilo de rilatoj internaciaj. Mi plene konsentis kun ili kaj pledis por originala literaturo, ne nur tradukaĵoj. Mi tiam verkis la broŝuron Vivanta lingvo de vivanta popolo.

Sed tiun «vivantan popolon» estis tre malfacile organizi kaj Hodler bezonis sian tutan energion kaj severan

doktrinemon por devigi la simpatiantojn akcepti disciplinon, fariĝi delegitoj, respondi regule al leteroj kaj eldoni la malgrandajn turistajn gvidfoliojn de siaj urboj laŭ unuforma aranĝo kaj formato. Estis tre strange vidi tiun junulon dudekjara kun nigra barbeto jam tiel aŭtoritata kaj eĉ ofte ironia pri la suprasa kaj bagatelema mentaleco de tro da samideanoj. Al lia doktrina persistemo kaj nerompebla volo ni ŝuldas multon el nia nuna forto.

La spritaj francaj samideanoj en tiu jaro eldonis karikaturnajn poŝtkartojn: Hodler staris kun sia telegrafa reto ĉirkaŭanta la tutan mondon, kaj mi kun unu piedo sur Ameriko kaj la alia sur Eŭropo kun granda plumo de verkisto en la mano; profesoro Cart aperis kiel heroa kavaliro mortiganta la malbelan drakon de la lingva reformismo.

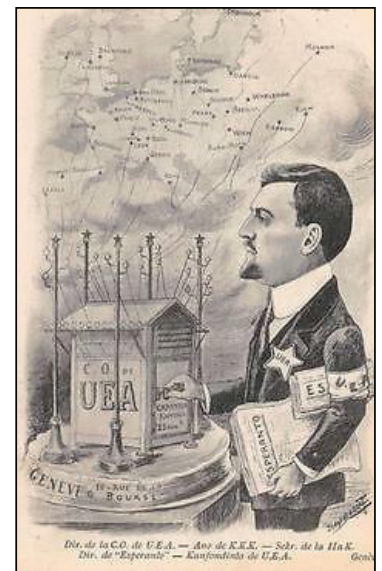
Necesis reveni al la Sorbonne, kie mi en 1911 sukcesis la ekzamenojn de licenco kaj prezentis studon pri la diferencoj en elparolo de la angla lingvo inter britoj kaj usonanoj. Kun la diplomo en la poŝo mi ĝoje veturis al Antverpeno en la somero por la universala kongreso.

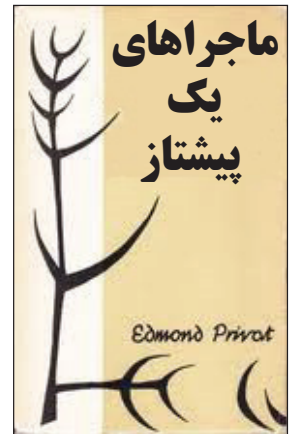
Eĉ iom pli frue mi devis alveni tien por gvidi la preparon de mia lirika dramo Ginevra, verkita dum la vintro kaj ludota de la geaktorj de la flandra reĝa teatro kiel la unua originala

teatraĵo en versoj prezentota en nia lingvo.

Kiam la reĝino Ginevra plendas al reĝo Arturo pri la detruoj de batalo kaj mizero de la kamparanoj, mi certe ne imagis tiam, ke nia generacio travivos baldaŭ multe pli terurajn militojn ol tiujn, en kiuj partoprenis Lanceloto kaj la kavaliro de la Ronda Tablo.

En la sekvanta aŭtuno mortis Tolstoj, kies portreto ĉiam ornamis mian studentan ĉambron, kaj mi estis invitita al Moskvo fari prelegon ĉe la Tolstoja Societo laŭ aranĝo de Paŭlo Birukov, la sekretario de la granda verkisto, kiun mi ekkonis en Genevo. Survoje mi prelegis en Francujo, en Hungarujo kaj en Italujo, kie mi vizitis la reĝon en Palaco Quirinale kaj donis al li mallongan lecionon pri nia lingvo. La unua impresio pri Romo, pri Forumo, pri Sta. Petro kaj ĉiuj gloraĵoj de la eterna urbo restas neforgesebla.

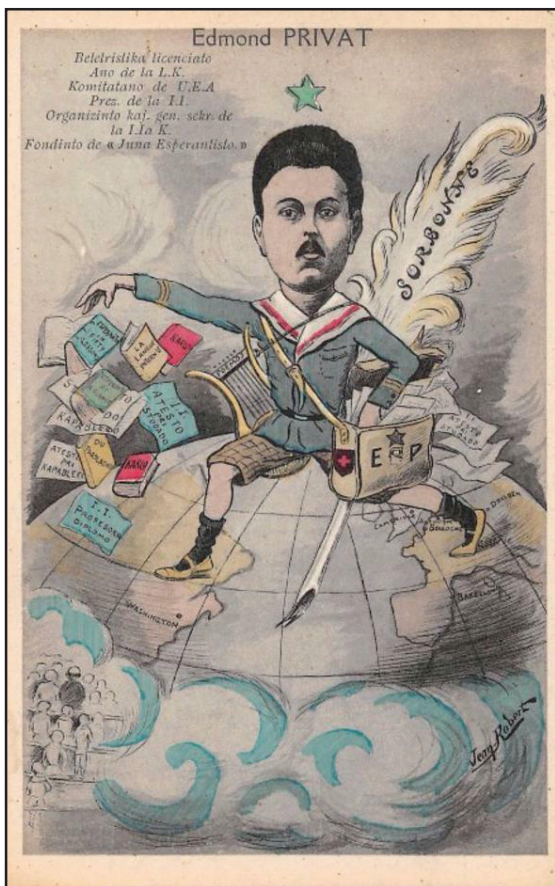




۱. فکری

آوگسبورگ ۱۹۱۰

آنتورپ ۱۹۱۱



البته که یک دانشجوی بی‌بضاعت جهت شرکت در کنگره جهانی سال ۱۹۱۰ که در آمریکا برگزار می‌شد پول کافی در اختیار نداشت، اما دوستم هکتور هولدر کنگره مستقلی از UEA در آوگسبورگ، شهر زیبا و قدیمی ایالت باواریا برگزار کرد و در آنجا هولدر و دوستش روسو اندیشه خود را در خصوص به‌کارگیری بی‌درنگ و سریع زبان جهانی برای پیشگامان تبیین کردند. این صاحب‌نظران ژرف‌اندیش جهت نشر و گسترش زبان جهانی تنها به صدور اعلامیه‌های مثبت، تشریفات بی‌حاصل و یا ترغیب قشر برجسته جامعه دلخوش نبودند. آنها می‌خواستند زبان ما به عنوان حقیقتی زنده مورد توجه قرار گیرد و بی‌درنگ و سریع به عنوان ابزار ارتباط ملل به کار گرفته شود. من هم کاملاً با آنها موافق بودم و از ادبیات اورجینال، و نه فقط ترجمه، دفاع کردم. آن موقع من بروشور «زبان زنده مردم زنده» را منتشر کردم.

ولی سازمان دادن به آن «مردم زنده» کار خیلی سختی بود و هولدر باید همه توش و توانش را مصرف التزام علاقه‌مندان به قبول انضباط، نماینده شدن، پاسخگویی منظم به نامه‌ها و چاپ و انتشار راهنماهای کوچک گردشگری از هر شهر و طبق برنامه و قطعی واحد می‌نمود. این همه توانایی و ایده‌هایی که به ذهنیت سطحی و کم‌ارزش خیلی از هم‌آرمانان نیز طعنه می‌زد از یک جوان بیست ساله بسیار عجیب می‌نمود. توانایی امروز ما تا حد زیادی مرهون اراده خلل‌ناپذیر و ثبات قدم ایشان است.

هم‌آرمانان شوخ‌طبع فرانسوی، آن سال یک کاریکاتور کارت‌پستالی چاپ کردند: هولدر با شبکه تلگرافی‌اش که همه دنیا را تحت پوشش دارد ایستاده بود، من با یک قلم‌پر بزرگ در دست، یک پایم در آمریکا و پای دیگرم در اروپا و پرفسور کارت هم مثل شوالیه‌ای قهرمان که از ده‌های کریه‌المنظر تجدیدنظرطلب زبانی را از پا درآورده بود به تصویر کشیده شده بودیم.

لازم بود به سوربن، جایی که سال ۱۹۱۱ موفق به گذراندن آزمون‌های کارشناسی شدم و رساله‌ام را در خصوص تفاوت‌های تلفظ میان زبان انگلیسی، بریتانیایی و آمریکایی ارائه دادم، بازگردم. بعد از اخذ دانشنامه، با خوشحالی تابستان برای شرکت در کنگره جهانی به آنتورپ سفر کردم.

برای تدارک و اجرای تئاتر تغزلی گینه‌ور باید کمی زودتر به آنجا می‌رفتم. گینه‌ور طی زمستان به رشته تحریر درآمد و قرار شد با هنرپیشگان تئاتر سلطنتی فلاندر و به عنوان اولین نمایشنامه منظوم اورجینال اسپرانتو روی صحنه برود.

وقتی که ملکه گینه‌ور از ویرانی‌های جنگ و بدبختی دهقانان نزد

شاه‌آرتور شکایت می‌کرد، هرگز فکر نمی‌کردم که نسل ما به‌زودی شاهد جنگ‌هایی وحشتناک‌تر از جنگ‌هایی که لانسلوت و شوالیه‌های میز گرد در آن شرکت داشتند خواهد بود.

پاییز سال بعد تولستوی، که عکس‌اش همیشه زینت‌بخش اتاق دانشجویی‌ام بود، دار فانی را وداع گفت. طبق برنامه پائول بیراوکوف، دستیار این نویسنده بزرگ، که در ژنو با هم آشنا شدیم، جهت سخنرانی در «مجمع تولستوی» به مسکو دعوت شدم. در راه مسکو، در فرانسه، مجارستان و ایتالیا هم سخنرانی داشتم، حتی در ایتالیا پادشاه را در قصر کوپرین‌آله ملاقات و در خصوص اسپرانتو و قواعد آن به اختصار با ایشان صحبت کردم. اولین خاطره از رم، فروم، سانتا پترو و همه مفاخر «شهر جاودان» فراموش‌شدنی نیست.

Diversaĵoj



Patrino A: Ĉu vi konvinkiĝis, ke via knabo fariĝos sukcesa politikisto?

Patrino B: Jes, li parolas pri sensencaĵoj tre belsone kaj persvade, kaj poste li tute forgesas, kion li diris.



Du amikoj interparolis.

A: Al mi ne plaĉas mia edzino. Ŝi ĉiam petas de mi monon, monon, monon!

B: Por kio ŝi uzas monon?

A: Mi ne scias, ĉar mi neniam donis al ŝi monon.

Ĉiuj viroj donas feliĉon al siaj edzinoj: kelkaj per sia ĉeesto, aliaj per sia foresto.



Kuracisto diras al la malsanulo:

A: Dum du-tri tagoj restu hejme kaj ripozu!

B: Ne eblas, sinjoro doktoro.

A: Kial?

B: Ĉar mia bopatrino estas en la hejmo.



Profesoro: Donu efektivan ekzemplon pri la fizika fenomeno, ke de varmo pligrandiĝas objektoj.

Studento: Pli longa estas someraj ferioj ol la vintraj.

Retpoŝto

Iu viro prenis ĉambron de hotelo. En lia ĉambro estis komputilo. Do li decidis sendi retpoŝton al sia edzino. Sed hazarde li malĝuste tajpis retpoŝtadreson kaj ne sciante sian eraron sendis la mesaĝon. Tamen... ie en Houston vidvino ĵus revenis hejmen. Ŝi decidis kontroli sian retpoŝton por legi konsolajn mesaĝojn de parencoj kaj geamikoj. Ŝi leginte unuan mesaĝon senkonsciĝis. Ŝia filo venis en la ĉambron kaj trovis sian patrinon sur la planko, kaj je la ekrano de komputilo vidis tiun ĉi:

Al: Mia amatino

Subjekto: Mi atingis

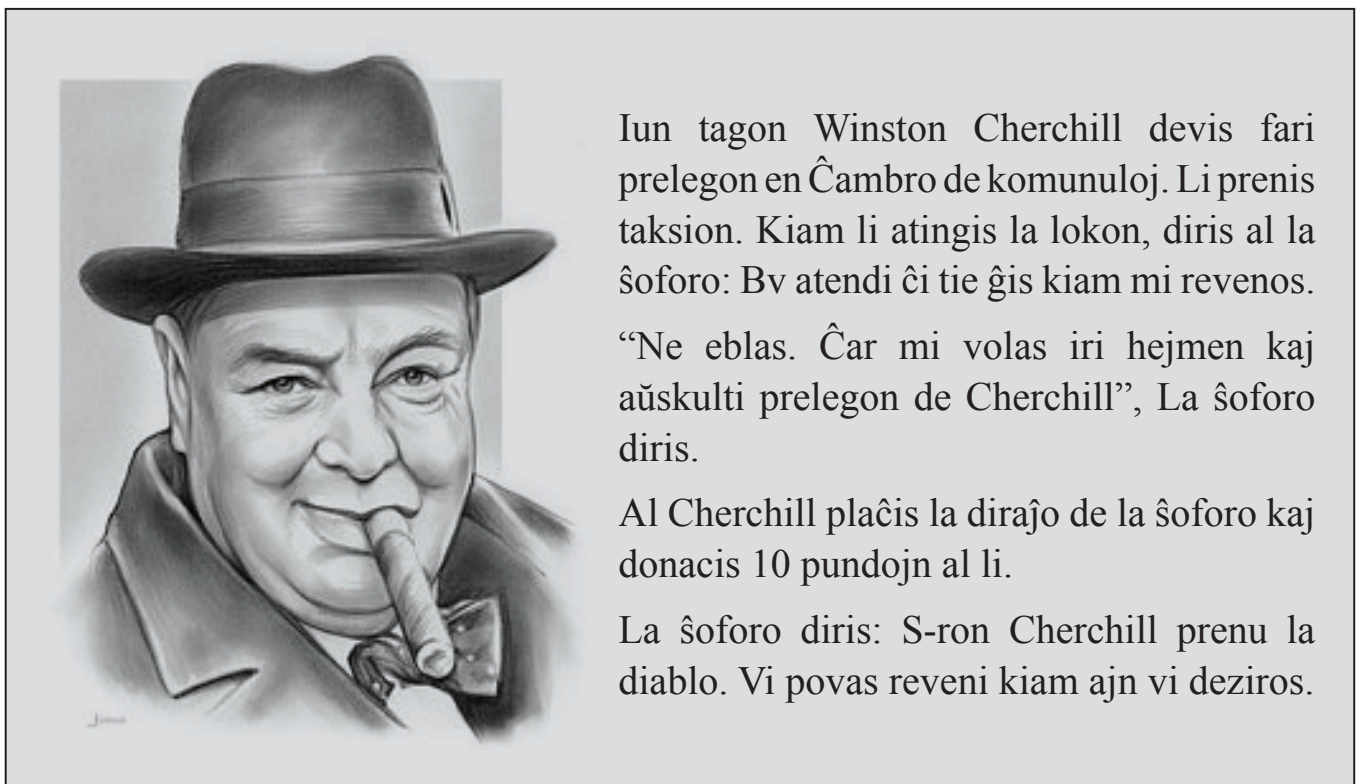
Dato: La 2-a de majo 2006

Mi scias, ke vi surpriziĝos aŭdi min. Ili

tie ĉi havis komputilon kaj al ni estas permesate sendi retpoŝton al tiuj, kiujn ni amas.

Mi ĵus atingis kaj la ĉambron mi prenis. Ĉio estas preparita, por ke vi morgaŭ atingu. Ĝis morgaŭ.

Via edzeto



Iun tagon Winston Churchill devis fari prelegon en Ĉambro de komunuloj. Li prenis taksion. Kiam li atingis la lokon, diris al la ŝoforo: Bv atendi ĉi tie ĝis kiam mi revenos.

“Ne eblas. Ĉar mi volas iri hejmen kaj aŭskulti prelegon de Churchill”, La ŝoforo diris.

Al Churchill plaĉis la diraĵo de la ŝoforo kaj donacis 10 pundojn al li.

La ŝoforo diris: S-ron Churchill prenu la diablo. Vi povas reveni kiam ajn vi deziros.

دیوانه و صلح



- خوب، پس خبر ندارید که سه سال پیش اینجا، جای همین پارک، یک کارخانه مین‌سازی قرار داشت و آندرو هم در آن کار می‌کرد. ولی کارخانه منفجر و ویران شد. آن حادثه جان کارگران زیادی را گرفت. کسی درست نمی‌داند آن حادثه چرا و چگونه رخ داد. ظاهراً بر اثر اشتباه یا بی‌احتیاطی یکی از کارگران. آندرو از این حادثه جان سالم به در برد، ولی عقل از سرش پرید. این مکان او را یاد آن روز تلخ می‌اندازد و به همین دلیل بیشتر وقت‌ها به اینجا می‌آید و این کارها را می‌کند.

مرد دیوانه دوباره داد زد: بمب! بمب! جنگ! جنگ!

پیرمرد ادامه داد: وقتی می‌بیند در زمین بازی بچه‌ها تنه‌است، آرامش خود را از دست می‌دهد و برای خودش آواز می‌خواند: «صلح! صلح! صلح! سکوت و آرامش! برای مردم صلح آوردم». بله، البته که حق با آندروست. الان همه در امن و امان زندگی می‌کنیم.

سپس رو به مادر و دختر بچه‌اش گفت: حرف‌های یک دیوانه نباید باعث ترس و وحشت شود. باید از جنگ واقعی ترسید. ان‌شاءالله که دختر کوچولویت سلامت باشد. کاش هیچ‌گاه جنگ صورت واقعیت به خود نگیرد و جایش تنها در خیال این آدم‌ها باشد.

- بمب! بمب! جنگ! جنگ!
مادرها دچار وحشت شدند. بعضی بچه‌هایشان را بغل کردند و زیر نیمکت پناه گرفتند و بعضی دیگر پا به فرار گذاشتند. اما مرد ایستاده بود و داد می‌زد:

- بمب! بمب! جنگ! جنگ!
یکی از مادرها با بچه کوچکش دوید به طرف نیمکتی که فاصله دورتری با زمین بازی داشت و پیرمردی هم آنجا نشسته بود.

پیرمرد گفت: ترسیدی؟
- بله، خیلی.

- نمی‌دانم چرا دیوانه‌ها به جای این‌که در تیمارستان باشند در شهر آزادند! آدم هیچ‌جا آسایش ندارد. اینجا جای بازی بچه‌هاست. این مرد آنها را می‌ترساند و شب دچار کابوس می‌شوند.

پیرمرد برای این‌که زن را آرام کند گفت: نگران نباش. آدم خطرناکی نیست. من می‌شناسمش. اسمش آندروست. قبلاً مشکلی نداشت. آدم عاقلی بود. مهندس بود. ظاهراً مدت زیادی نیست که اینجا زندگی می‌کنید، درست است؟

- بله، دو ماهی می‌شود که اینجا آمده‌ایم.

محله رویا تقریباً دو سال پیش در حومه شهر به وجود آمد. محله‌ای کوچک شامل پنج آپارتمان بزرگ. نزدیک این خانه‌ها پارک تازه تاسیسی وجود داشت که وسط آن برای بچه‌ها یک زمین بازی با سرسره و تاب درست کرده بودند.

در این خانه‌های نوساز، زوج‌های جوان و بچه‌هایشان زندگی می‌کردند و حالا، روزهای اول تابستان، مادرها بچه‌هایشان را به پارک آورده بودند. بچه‌ها بین نیمکت‌ها می‌دویدند و تاب‌بازی و سرسره‌بازی می‌کردند. مادرها هم مواظب بودند تا زمین نخورند و دست و پایشان زخمی نشود یا با هم دعوا نکنند.

ناگهان سر و کله آدم عجیبی در وسط زمین بازی پیدا شد: یک مرد میانسال با ظاهری شلخته: شلوار خاکستری، پیراهن زرد و موهای نامرتبی که تا روی شانه‌اش می‌رسید. از پشت معلوم نمی‌شد مرد یا زن است، چون خیلی هم لاغر اندام بود.

او وسط زمین ایستاد و زیرچشمی به آسمان نگاه می‌کرد. انگار آن بالا منتظر اتفاق مهمی است. مادرها از ظاهر و کارهایش متعجب بودند، ولی چیزی به روی خودشان نمی‌آوردند. مرد همان‌طور در عالم خود بود. اما ناگهان با ترس و وحشت داد زد:

در تلاش برای از بین بردن تبعیض زبانی در اتحادیه اروپا

حزب سیاسی «اسپرانتو-دموکراسی-اروپا» از سال ۲۰۰۴ تاکنون برای چهار بار در انتخابات پارلمان اروپا شرکت نموده است. علی‌رغم تلاشش موفق به حضور در انتخابات آلمان نشد و تنها در فرانسه امکان رای به این حزب وجود داشت. این حزب نسبت به سال ۲۰۱۴، به میزان ۴۵ درصد آرای کمتری به دست آورد و به بدترین نتیجه در تاریخ خود رسید. مجله اینترنتی اسپرانتوزبان برگ آزاد (Libera Folio) با پی‌یر دیتومگار، رئیس بخش فرانسه حزب «اسپرانتو-دموکراسی-اروپا» گفت‌وگویی ترتیب داده است که توجه شما را به خواندن آن جلب می‌کنیم.



گذاشته است. آدم‌های زیادی «هدفمند» رأی دادند برای این که دیگران انتخاب شوند. شاید پوسترها و برگه‌های تبلیغاتی ما باعث شده که زیاد به مغز فشار بیاید. شاید هم شعارهای تبلیغاتی ما زیاد آرمان‌گرایانه بود.

آیا با وجود این که EDE تنها در انتخابات یک کشور مشارکت داشت، می‌توان گفت که حزبی تماماً اروپایی است؟

انجمن‌های کشوری EDE در چهار کشور اروپایی (فرانسه، آلمان، لهستان و مجارستان) و افراد مجزا و مستقلی هم در کشورهای دیگری هستند. به خاطر سیستم‌های متفاوت انتخاباتی، احزاب کاملاً اروپایی ممکن نیست. حتی احزاب عمده نیز که گروه‌هایی از نمایندگان اروپایی دارند، احزابی کاملاً اروپایی نیستند. آنها مجموعه‌ای از احزاب کشوری هستند.

گفته می‌شود که EDE حزب اسپرانتویی نیست، اما اسپرانتو در اسم آن وجود دارد. آیا می‌توانید ارتباط بین EDE و اسپرانتو را توضیح دهید؟ آیا هدف EDE این است که این زبان را توسعه دهد و چرا؟

زمنه‌هوف اسپرانتو را به‌عنوان «زبان بین‌المللی» برای آسان‌تر کردن ارتباطات بین گروه‌های قومی کشورش خلق کرد. در حال حاضر، کمابیش اتحادیه اروپا شبیه روسیه در زمان زمنه‌هوف است. گروه‌های قومی زیاد در یک ساختار سیاسی چندملیتی. پس ما می‌خواهیم اسپرانتو را برای آسان کردن ارتباطات بین مردم در همه کشورهای اروپایی به کار ببریم. این‌گونه امیدواریم به ارتباطی عادلانه‌تر بین آنها، به مباحثه عادلانه‌تر بدون تبعیض زبانی عاری از بالادست و زیردست دست پیدا کنیم.

آیا EDE به صورت موثری قصد دارد در پارلمان اروپا کرسی داشته باشد؟ یا حزب فقط یک وسیله عضویت حزبی برای اسپرانتوست؟

EDE فقط وسیله عضویت حزبی کلی برای اسپرانتو نیست. برای این هدف انجمن‌های دیگری هستند. اما EDE وسیله عضویت حزب برای اسپرانتو در اقدام سیاسی است. من تمایل دارم که احزاب دیگر سیاسی (معمولاً) در مورد مساله مهم زبان در اتحادیه اروپا هوشیار باشند، به طوری که این مساله در سیاست قابل بحث باشد، همانند محیط زیست که امر مهمی است و در حال حاضر موضوع مورد بحث همه احزاب سیاسی سنتی است، اگر در مبارزات انتخاباتی نمایندگی را به دست می‌آوریم، در پارلمان برای پیشبرد مبارزه برای آن اقدام می‌کردیم.

لطفا کمی از حزب «اسپرانتو-دموکراسی-اروپا» یا EDE برایمان بگویید.

«اسپرانتو-دموکراسی-اروپا»، فدراسیونی است از انجمن‌های کشوری و کسانی که در جهت بهبود دموکراسی در اروپا (و به طور عمده اتحادیه اروپا) با استفاده از زبان بین‌المللی اسپرانتو کار می‌کنند. در فرانسه، از ابتدای سال ۲۰۰۴، این حزب لیست نامزدهای خود را برای انتخابات اروپا معرفی می‌کند. در آلمان هم هنگام برگزاری انتخابات اروپا در ۲۰۰۹ این اتفاق افتاد. این حزب در لهستان، از طریق ارتباط با اعضای مجلس و سیاستمداران فعالیت می‌کند. انجمن EDE در مجارستان هم مشغول فعالیت است.

اهداف و برنامه حزب چیست؟

هدف عمده، بهبود دموکراسی و مردم‌سالاری با استفاده از اسپرانتو است، که این می‌تواند در برقراری ارتباط مستقیم بین مردم کشورهای مختلف یا نمایندگان یا حکومت و شهروندان باشد.

پیشنهاد EDE برای دموکرات‌تر شدن اتحادیه اروپا چیست؟

موضوع مهم درباره زبان‌هاست. در حال حاضر مردم اروپا زبان‌های متفاوتی دارند و قادر به درک همدیگر نیستند. امکان یک مباحثه برپایه دموکراسی وجود ندارد. مباحثات در همه کشورها وجود دارد. اما نه در سطح کل اروپا. نتیجه این است که مردم به همدیگر معترض هستند. درباره موضوعات اروپا (مهاجرت، تغییرات اقلیمی، امور مالی و ...) اختلاف نظر بین کشورها از اختلاف نظر بین گروه‌های اجتماعی سنتی بیشتر است. این مساله زبان‌ها تأثیر بدی هم بر دموکراسی گذاشته است، چون طبقه‌ای که کمابیش زبان انگلیسی بلدند را از آدم‌های (زیردست) که زبان انگلیسی را بلد نیستند، جدا می‌کند. بیش از نیمی از ساکنان اروپا زبان انگلیسی بلد نیستند، حتی با وجود این که این زبان به مدت ۱۰ سال در مدارس آموزش داده می‌شود.

اما ما همچنان می‌خواهیم که سیستم‌های انتخابات در اروپا یکی شود. مثلاً برای انتخابات اخیر در فرانسه، هر لیست باید هزینه کند، چاپ کند و برگه‌های رای خودشان را جابه‌جا کنند. این برای احزاب کوچک هزینه‌بردار است و کاغذ زیادی اسراف می‌شود. (و اغلب اشتباهاتی هست) اما در آلمان فقط یک برگه رأی با اسامی تمامی لیست‌هاست. این برای برابری در بین احزاب، برای محیط زیست و همچنین برای صرفه‌جویی کار کارمندان بهتر است. ما فکر می‌کنیم که سیستم آلمان از فرانسه بهتر است.

در ۲۰۱۵، EDE تعداد ۳۳،۶۰۹ رأی را به دست آورد، اما در ۲۰۱۹ تنها ۱۸،۵۶۹ رأی. دلیل این افت چه بود؟ درباره نصف شدن آرای حزب چه احساسی دارید؟

ما می‌توانیم آن را با لیست‌های پیراتو و فدرالیست‌ها مقایسه کنیم که مثل ما در انتخابات ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ شرکت کردند و همین میزان آرا را به دست آوردند. شمار رأی‌دهندگان به خاطر سه لیست (حتی بیشتر برای EDE، متأسفانه) کاهش داشت. پس به نظر من دلیل مشترکی برای این افت هست. شاید در ۲۰۱۹ رقابت بین حزب (La Pen) و حزب ماکرون فضای کمتری برای سایر احزاب باقی

بیش از نیمی از ساکنان اروپا زبان انگلیسی بلد نیستند حتی با وجود این که این زبان به مدت ده سال در مدارس آموزش داده می‌شود

LA 7-A IRANA ESPERANTO-KONGRESO



La Sepa Irana Esperanto Kongreso (IREK-7)

Dato: 16-18 Aprilo 2020

Loko: Tehrano

Temo: Esperanto kaj Daŭripova Turismo
